

دکتر محمد علی لویید اللفرج

دعا کلید ظهور

دکتر علی لریان



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

هراتیان، علی، -

دعا کلید ظهور: پیرامون نقش دعا در تعجیل فرج امام عصر (عج) / مؤلف علی

هراتیان، - قم: مهر امیرالمؤمنین علیه السلام، ۱۳۸۵

۹۲ ص. قیمت: ۵۰۰۰ ریال

ISBN: 964-9904-14-X

شابک: X-14-4-99-964

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا

۱. محمد بن حسن، امام دوازدهم (عج)، ۲۵۵ ق. ۲. دعا - تأثیر. الف. عنوان.

۲۹۷/۹۵۷

د ۴ / ه ۵۱ / LB



انتشارات مهر امیرالمؤمنین علیه السلام

## دعا کلید ظهور

مؤلف: دکتر علی هراتیان

خط: اکبر باقرزاده

ناشر: مهر امیرالمؤمنین علیه السلام

نوبت چاپ: سوم (دوم این ناشر) بهار ۱۳۸۵

شمارگان: ۵۰۰۰

چاپ: شریعت

قیمت: ۵۰۰۰ ریال

ISBN: 964-9904-14-X

شابک: X-14-4-99-964

کلیه حقوق محفوظ است

آدرس مرکز پخش:

قم: بلوار شهید منتظری، ساختمان شهاب، واحد یک، انتشارات مهر امیرالمؤمنین علیه السلام

تلفن: ۰۲۵۱-۷۷۴۶۵۴۶ - ۰۲۵۱-۷۷۴۲۹۹۷ - ۰۲۵۱-۷۷۴۲۹۹۷

همراه: ۰۹۱۲۲۷۵۲۰۲۹

تهران: ۰۲۱-۳۳۳۳۳۵۲۶ و ۰۲۱-۳۳۱۰۶۶۶۵ - همراه: ۰۹۱۲۶۲۳۸۸۲۲۵

این کتاب را پس از مطابقت در اختیار دیگران قرار دهید

# دعا کلید ظهور

پیرامون نقش دعا در تعجیل فرج

امام عصر عجل الله تعالی فرجه

دکتر علی مسرتیان

تقدیم ہے

ساحت مقدس عثمانی بزرگوار امام زمان  
ارواح فداہ حضرت زینب کبریٰ علیہا السلام

## فهرست مطالب

۷	پیش‌گفتار .....
۲۷	نقشه‌ی ابلیس برای تأخیر ظهور .....
۳۵	به امام معرفت نداریم .....
۴۳	به امام، محبت شایسته نداریم .....
۵۱	احساس اضطرار نمی‌کنیم .....
۵۸	از برکات ظهور، بی‌خبریم .....
۶۱	نمی‌دانیم که از مهم‌ترین شرط‌های ظهور، خواست مردم است .....
۶۵	از غربت امام در غیبتش بی‌خبریم .....
۶۸	سرود غربت .....
۷۰	ما را از شمشیر امام ترسانده‌اند .....
۷۶	از معارف اهل بیت <small>علیهم‌السلام</small> دور هستیم .....
۷۹	نمی‌دانیم دغدغه‌ی همه‌ی اهل بیت <small>علیهم‌السلام</small> فرج مولا بوده و هست .....
۸۷	نجوا با حضرت ولی عصر <small>علیه‌السلام</small> .....



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## پیش‌گفتار

فرمایش حضرت سیدالشهدا علیه السلام خطاب به یکی از علمای قم که:

«مهدی ما علیه السلام در عصر خویش مظلوم است. تا می‌توانید درباره‌ی او سخن بگویید و قلم فرسایی کنید... بیش از آن چه نوشته و گفته شده باید درباره‌اش نوشت و گفت...»<sup>۱</sup>

بسیار قابل تأمل است و در حدّ بضاعت و امکان باید به آن عمل کرد. با توجه به شیوع مباحث مربوط به منجی آخرالزمان در سراسر جهان و از آن‌جا که کشور ما مهد تشیع است و باید داعیه دار بحث انتظار و موعود جهانی باشد؛ شایسته است اندیشمندان، صاحب نظران، ارباب قلم، اهل شعر و ادب و فرهنگ و هنر و هر کس که دل داده‌ی خاندان عصمت و طهارت است و آرزوی تشکیل دولت حقّه‌ی حضرت صاحب‌الزمان علیه السلام را - هرچه سریع‌تر - بر دل دارد، با استفاده از سرچشمه‌ی قرآن و روایات معصومین علیهم السلام به فراخور دانش و امکانات خویش در مسیر ترویج فرهنگ

مهدویت، افراشتن بیرق انتظار و متوجه ساختن مردم به وظایف خویش در  
 قبال حجّت زنده‌ی عصر، حضرت مهدی علیه السلام گام بردارند و مشمول این  
 دعای معصومین علیهم السلام گردند که:

«رحم الله عبداً احيا امرنا.»<sup>۱</sup>

«خدا رحمت کند آن کس را که امر (ولایت) ما را احیا کند.»

و اما انگیزه‌ی تألیف این کتاب:

در روایات معصومین علیهم السلام و نیز پیغام‌های حضرت ولی عصر ارواحنا فداه  
 تأکیدات فراوانی به چشم می‌خورد که شیعیان را به دعا برای تعجیل فرج  
 فراخوانده‌اند؛ ولی این توصیه‌ها تاکنون آن‌گونه که باید مورد توجه قرار  
 نگرفته و به آن‌ها عمل نشده است.

در این نوشتار برآنیم به نقش دعا در تعجیل فرج تأکید نموده و برخی از  
 دلایل غفلت از دعا برای ظهور را بررسی نماییم.

به امید تشکیل دولت عدل جهانی به رهبری امام مهدی علیه السلام، هر چه  
 زودتر انشاء الله.





نفس و عا در بیک فرج

در تعالیم پیشوایان دین، دعا اسلحه‌ی پیامبران، سپر و سلاح مؤمن،  
مغز همه‌ی عبادات و حلقه‌ی ارتباط خالق و مخلوق معرفی شده است.  
اولین مظلوم عالم، حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند:

«دعا سپر مؤمن است و هرگاه بسیار دری را کوبیدی به روی تو باز  
می‌شود.»<sup>۱</sup>

و حضرت امام محمد باقر علیه السلام خطاب به یکی از اصحاب خویش  
فرمودند:

«آیا تو را راهنمایی نکنم به چیزی که رسول خدا صلی الله علیه و آله در آن استثنایی  
نزده؟»

عرض کردم: چرا. فرمود:

«دعا، که قضای پیچیده و سخت را بر منی گرداند. و انگشتانش را به هم  
فشرد.»<sup>۲</sup>

و باز آن حضرت تأکید کردند:

۱. اصول کافی: کتاب دعا، باب الدعاء سلاح المؤمن، ح ۴.

۲. اصول کافی ۲: ۴۷۰.



«به خدا سوگند هیچ بنده‌ای دعا، پافشاری و اصرار به درگاه خداوند عزّ وجلّ نکند مگر این که حاجتش را بر آورد.»<sup>۱</sup>

حضرت امام صادق علیه السلام نیز می‌فرمایند:

«دعاکن و مگو که کار گذشته است و آن چه مقدر شده همان شود (و دعا اثری ندارد)...»<sup>۲</sup>

مرحوم علامه‌ی مجلسی در شرح روایت فوق می‌گوید: ... باید ایمان به بداء داشت و به این که خداوند سبحان هر روز در کاری است و هرچه خواهد محو کند و هرچه بخواهد ثبت کند و قضا و قدر مانع دعا نیستند؛ چون تغییر در لوح محو و اثبات ممکن است. گذشته از این که خود دعا نیز از اسباب قضا و قدر (می‌باشد) و امر به دعا نیز از همان‌هاست.<sup>۳</sup> و نیز از آن حضرت نقل شده که فرمودند:

«همانا دعا، قضا را برمی‌گرداند و آن را از هم وامی‌تابد؛ چنان چه رشته‌های نخ اگرچه به سختی تابیده شده باشد از هم باز شود.»<sup>۴</sup>

کم‌تر کسی است که در امور شخصی به ویژه در تنگناها و هنگام مواجه شدن با مشکلات و سختی‌های زندگی، دست به دعا بلند نکند و با راز و نیاز، نذر و توسل به اولیای الهی از درگاه حضرت احدیّت، گشایش در امور خود را طلب نکند.

نکته‌ی مهم این است که ما معمولاً در حوائج فردی خویش بر دعا الحاح و اصرار می‌ورزیم و تا استجابت کامل آن، دست از طلب و

۱. اصول کافی، کتاب دعا، باب پافشاری و اصرار بر دعا.

۲. اصول کافی، کتاب دعا، باب فضیلت دعا، ح ۳.

۳. همان: شرح سید جواد مصطفوی.

۴. همان.





درخواست بر نمی‌داریم؛ ولی به مسأله و امر مهمّ دعا برای تعجیل ظهور امام عصر ارواحنا فداه آن‌گونه که باید و شایسته است اهتمام نمی‌ورزیم. غافل از آن‌که این دعا زیباترین آرزو و بهترین دعاهاست؛ زیرا خیر و سعادت دنیا و آخرت ما و همه‌ی انسان‌ها و نیز گشایش در امور مادی و معنوی جهانیان، وابسته به امر ظهور امام عصر ارواحنا فداه است. به همین جهت است که ائمه‌ی اطهار علیهم‌السلام ما را به این امر حیاتی و بااهمیت دعوت نموده‌اند و حضرت ولی عصر علیه‌السلام نیز در توقیعی که به اسحاق بن یعقوب فرستاده‌اند تأکید فرموده‌اند:

«برای تعجیل در فرج و ظهور من بسیار دعا کنید که همانا فرج من، فرج و گشایش خود شماست.»<sup>۱</sup>

همچنین آن حضرت در توقیع شریف خطاب به شیخ مفید رحمته‌الله می‌فرمایند:

«اگر شیعیان ما - که خداوند متعال ایشان را به اطاعت خویش موفق بدارد - با دل‌های متحد و یک‌پارچه بر وفای به عهد و پیمان خویش اجتماع می‌کردند، ملاقات ما از آن‌ها به تأخیر نمی‌افتاد و سعادت دیدار و مشاهده‌ی با معرفت برای آن‌ها به زودی حاصل می‌شد و زودتر از این به دیدار ما نایل می‌شدند...»<sup>۲</sup>

امام صادق علیه‌السلام درباره‌ی نقش دعا در تعجیل فرج و برای تشویق شیعیان به این امر حیاتی و مهم فرمودند:

«... وقتی عذاب و سختی بر بنی‌اسرائیل طولانی شد، چهل روز به درگاه خدا گریه و ناله کردند. خداوند متعال به موسی و هارون علیهم‌السلام وحی فرمود که آن‌ها را از دست فرعون نجات دهند و این درحالی بود که از چهارصد

۱. کمال الدین ۲: ۴۸۵.

۲. بحار الأنوار ۵۳: ۱۷۶.

سال (عذاب) ، صد و هفتاد سال باقی مانده بود و خداوند متعال به واسطه‌ی دعای بنی اسرائیل از آن صد و هفتاد سال صرف نظر نمود.»

آن‌گاه امام صادق علیه السلام فرمودند:

همچنین شما (شیعیان) اگر این عمل (یعنی گریه و دعا کردن برای تعجیل فرج) را انجام دهید ، خداوند قطعاً فرج و گشایش ما را می‌رساند و اگر انجام ندهید (و دست روی دست بگذارید و بی تفاوت بمانید) این امر به نهایت خود می‌رسد.<sup>۱</sup>

مؤلف کتاب شریف «مکیال المکارم» با استناد به این روایت می‌گوید: آن چه از روایات به دست می‌آید، ظاهراً این است که وقت ظهور امام عصر ارواحنا فداه از امور بدائیه است که امکان پس و پیش افتادش هست.<sup>۲</sup> یعنی می‌توان با دهانمودن، فرج و ظهور امام عصر علیه السلام را جلو انداخت و تشویق ائمه‌ی اطهار علیهم السلام به دعا نمودن برای تعجیل ظهور، بیان‌گر آن است که حصول فرج و فرارسیدن دوران ظهور، دارای یک زمان صددرصد تعیین شده و غیر قابل تغییر نیست و اگر مردم به مسأله‌ی غیبت امام زمانشان و طولانی شدن این امر بی‌توجهی نموده و با دل‌های متحد و یک‌پارچه، فرج آن حضرت را از خداوند متعال نخواهند، خداوند ظهور آن بزرگوار را تا انتهایی که برای دوران غیبت در نظر گرفته است - و ما از آن اطلاعی نداریم - به تعویق خواهد انداخت و البته این نهایت نیز ممکن است هر لحظه فرا برسد.

مؤلف «مکیال المکارم» می‌نویسد: در زمان حضرت ادریس پیامبر علی نبینا وآله وعلیه السلام نیز وقتی آن حضرت مورد حمله‌ی حکومت طغیان‌گر

۱. تفسیر عیاشی ۲: ۱۵۵.

۲. مکیال المکارم ۱: ۳۲۷.

زمان خویش قرار گرفت، از میان مردم غایب گردید. در دوران غیبت او، پیروانش که در نهایت سختی و شدت قرار داشتند، تصمیم گرفتند در برابر خداوند توبه نمایند. این بازگشت و پشیمانی واقعی باعث شد که خداوند دوران غیبت او را پایان بخشد. حضرت ادریس علیه السلام ظاهر شد و حاکم ستمگر در برابر او به ذلت و خواری افتاد.

همچنین است اگر مردم در زمان غیبت، به صورت دسته جمعی توبه نموده و قصد یاری امام عصر ارواحنا فداه را نمایند، امید است که خداوند طومار غیبت را در هم پیچیده و آن بزرگوار را ظاهر نماید.<sup>۱</sup>  
حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام در عالم خواب یا مکاشفه به مرحوم آیه الله میرزا محمد باقر فقیه ایمانی فرمودند:

«در منبرها به مردم بگویید و به آنان دستور دهید توبه کنند و برای تعجیل ظهور حضرت حجت علیه السلام دعا نمایند. دعا برای آمدن آن حضرت، مانند نماز میت نیست که واجب کفایی باشد و با انجام دادن عده‌ای از دیگران ساقط شود؛ بلکه مانند نمازهای پنج‌گانه است که بر هر فرد بالغ واجب است برای ظهور آن حضرت دعا کند.»<sup>۲</sup>

مرحوم فقیه ایمانی در کتاب خود می‌نویسد: ... و نیز از بسیاری از اخبار و فقرات ادعیه و زیارات استفاده می‌شود که امر ظهور آن حضرت، اصل وقوعش یک وعده‌ی تخلف‌ناپذیر الاهی است؛ ولی زمان وقوع آن از امور بدائیه است که قابل تعجیل و تأخیر است و نیز از بعضی از اخبار به دست می‌آید که دعای مؤمنین هنگامی که با شرایط و آدابش انجام شود، تأثیر به‌سزایی در تعجیل فرج خواهد داشت.<sup>۳</sup>

۱. مکیال المکارم، باب چهارم، بحث غیبت انبیاء.

۲. مکیال المکارم ۱: ۴۳۸، صحیفه مهدیه: ۵۱.

۳. شیوه‌های یاری قائم آل محمد علیه السلام: ۵۷.



سید حلاوی - شاعر اهل بیت علیهم السلام - قصیده‌ای سرود و در ضمن آن از گرفتاری‌های شیعیان و درد، رنج، شکنجه و مصائب آن‌ها به پیشگاه امام عصر ارواحنا فداه شکایت کرده و این قصیده را در چندین مجلس خوانده بود. یکی دو نفر از اوتاد نجف اشرف در عالم رؤیا خدمت حضرت ولی عصر ارواحنا فداه مشرف شدند. حضرت به آن‌ها فرمودند:

«بروید به سید (حلاوی) بگویید: سید! این قدر دل مرا مسوزان. این قدر سینه‌ی مرا کباب مکن. این قدر ناراحتی شیعیان را به گوشم مرسان. من از شنیدن آن متأثر می‌شوم... «لیس الأمر بیدی»؛ کار در دست من نیست، به دست خداست. دعا کنید خداوند فرج مرا برساند.»<sup>۱</sup>

یکی از تشرّف یافتگان به آستان مقدّس حضرتش می‌گوید:  
در مسجد مقدّس جمکران اعمال را به جا آورده و با همسر می‌آمدم. دیدم آقایی نورانی داخل صحن شده و قصد دارند به طرف مسجد بروند. گفتم: این سید نورانی در این هوای گرم تابستان از راه رسیده، تشنه است. ظرف آبی به دست او دادم. ظرف آب را پس داد. گفتم: آقا شما دعا کنید و فرج امام زمان ارواحنا فداه را از خدا بخواهید تا امر فرجش نزدیک شود. فرمودند:

«شیعیان ما به اندازه‌ی آب خوردنی ما را نمی‌خواهند. اگر بخواهند دعا می‌کنند و فرج ما می‌رسد.»<sup>۲</sup>

به این دو پیام از مولایمان حضرت مهدی ارواحنا فداه نیز گوش جان می‌سپاریم:

«هر مؤمنی که در مجالس سوگواری پس از ذکر مصائب حضرت

۱. مجالس حضرت مهدی علیه السلام: ۱۰۹.

۲. شیفتگان حضرت مهدی علیه السلام: ۱: ۱۵۵.

سیدالشهدا علیه السلام برای من دعا کند، من برای او دعا می‌نمایم.<sup>۱</sup>

«به شیعیان و دوستان ما بگویید که خدا را به حق عمه‌ام حضرت زینب علیها السلام قسم دهند که فرج را نزدیک گرداند.»<sup>۲</sup>

در برخی روایات، دعا برای فرج از حقوق اهل بیت علیهم السلام بر شیعیان شمرده شده است؛ چنان که امام صادق علیه السلام فرموده‌اند:

«همانا از حقوق ما بر شیعیان این است که بعد از هر نماز واجب، دست‌هایشان را بر چانه گذاشته و سه مرتبه بگویند:

يَا رَبِّ مُحَمَّدٍ عَجَلُ فَرَجِ آلِ مُحَمَّدٍ.

يَا رَبِّ مُحَمَّدٍ اِحْفَظْ غَيْبَةَ مُحَمَّدٍ.

يَا رَبِّ مُحَمَّدٍ اِنْتَقِمِ لِابْنَةِ مُحَمَّدٍ.

ای پروردگار محمد صلی الله علیه و آله، فرج و گشایش امور آل محمد را تعجیل فرما.

ای پروردگار محمد صلی الله علیه و آله، محافظت کن (دین را در) غیبت محمد صلی الله علیه و آله.

ای پروردگار محمد صلی الله علیه و آله، انتقام دختر محمد صلی الله علیه و آله را بگیر.»<sup>۳</sup>

دعا برای ظهور امام عصر ارواح‌فداه از راه‌های نجات در دوران ظلمانی

غیبت نیز هست؛ زیرا امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند:

«سوگند به خدا - فرزندم - دارای غیبتی خواهد بود که هیچ‌کس در آن

دوران از هلاکت و نابودی رهایی نمی‌یابد، مگر کسی که خداوند او را بر

اعتقاد به امامت وی استوار ساخته و بر دعا برای تعجیل ظهور آن

حضرت توفیقش ببخشد.»<sup>۴</sup>

۱. مکیال المکارم ۱: ۳۳۳.

۲. شیفتگان حضرت مهدی علیه السلام ۱: ۲۵۱.

۳. صحیفه مهدیه: ۱۹۵.

۴. کمال الدین ۲: ۳۶۸.

آن حضرت در روایت دیگری چنین فرمودند:

«... هرگاه صبحگاهان روزی دیدید که امامی از آل محمد علیهم السلام غایب گشته او را مشاهده نمی کنید، پس به درگاه خداوند عزوجل استغاثه نمایید (و فرج و ظهور او را از پروردگار بخواهید)... پس چه زود باشد که فرج و گشایش بر شما رخ نماید...»<sup>۱</sup>

و اما در رابطه با نقش دعا در تعجیل فرج نکاتی مطرح است که به آن اشاره می کنیم:

۱- تنها یکی از آثار «دعا برای تعجیل فرج» تسریع امر ظهور امام عصر علیه السلام است. این دعا آثار و برکات فراوانی هم چون آمرزش گناهان، نزول نعمت، دفع بلاها، طول عمر، وسعت رزق، ورود به بهشت، نایل شدن به شفاعت اهل بیت علیهم السلام، امان از تشنگی روز قیامت و... دارد که مؤلف «مکیال المکارم» به ۱۱۰ فایده از فواید آن اشاره نموده است.

۲- بار دیگر تأکید می کنیم که دعا در فرا رسیدن زمان ظهور، اثر قطعی دارد و ترک آن موجب تأخیر در امر فرج خواهد شد و از دقت در حدیث بنی اسرائیل و سایر روایات استفاده می شود که امر ظهور بَد ا پذیر است.

۳- برخی می گویند «هر وقت خدا بخواهد آقا می آید» و تلویحاً نقش دعا در تعجیل فرج را کم رنگ می شمردند. این مطلب صحیح است که خداوند متعال باید اذن قیام و فرج را صادر کند و در روایات ما نیز آمده است:

«و اما ظهور الفرج فانه إلی الله.»<sup>۲</sup>

«و اما، امر فرج به دست خداست.»

۱. کمال الدین: باب ۳۲، ح ۸

۲. غیبت شیخ طوسی: ۱۷۷.





ولی باید توجه داشت که امام عصر علیه السلام و اجداد طاهرینش خود، شیعیان را به دعا برای تعجیل فرج توصیه کرده‌اند که نشان می‌دهد اگر اشتیاق ما به اوج برسد خداوند نیز وعده‌ی خود را محقق خواهد ساخت.

۴- برخی نیز می‌گویند ما گنه‌کاریم، لیاقت نداریم برای امام زمان دعا کنیم. لقمه‌ها اشکال دارد! این‌گونه مطالب از ترفندهای شیطان برای بازداشتن ما از دعا برای فرج به حساب می‌آید. دعا برای امام، ما را به امام نزدیک‌تر می‌کند.

به علاوه امام زمان علیه السلام تنها امام نیکوکاران نیست، بر گنه‌کاران نیز حجت است. امام هم‌چون خورشید بر همگان می‌تابد و به صنف خاصی تعلق ندارد. در انحصار ملت و نژاد خاصی نیز نیست. امام متعلق به تمام بشریت است. نه تنها امام انسان‌ها که امام جنّ و ملائک نیز هست. نه تنها امام اهل زمین که امام اهل آسمان‌ها نیز هست.

اگر بنا بود دعای گناه‌کاران مستجاب نشود و آن‌ها از درگاه رحمت الاهی مأیوس شوند، خداوند باب توبه را پیش روی بندگان خویش نمی‌گشود. این‌گونه افراد ابتدا می‌توانند توبه کنند و بعد برای فرج دعا کنند. مگر قرآن نمی‌فرماید که حسنات، سیئات را از بین می‌برد؟<sup>۱</sup> آیا حسنه‌ای بالاتر از دعا برای فرج سراغ دارید؟

۵- وقتی بحث از ظهور به میان می‌آید برخی می‌گویند «امام زمان به این زودی‌ها نمی‌آید!» این‌گونه اظهارنظرها، خلاف روایات متعددی است که به ما امر می‌کند هر صبح و شام منتظر فرج باشیم و تأکید می‌کند که ظهور به طور ناگهانی و زمانی که مردم گمان نمی‌برند صورت خواهد پذیرفت. محبت و علاقه به امام نیز اقتضا دارد که ما ظهور را دیر نپنداریم؛ زیرا غیبت

دوران تنهایی، دل شکستگی و غصب حق امام است. آیا اگر فردی از عزیزان ما به زندان افتاده باشد یا به سفر رفته و باز نگشته باشد، تحمل آن را داریم که کسی بگوید «بی خود منتظر نباشید؛ به این زودی‌ها نخواهد آمد!» در برابر چنین سخنانی، چه واکنشی نشان خواهیم داد؟

۶- برخی برای واجب دانستن امری به دنبال فتوا می‌گردند. در صورتی که در اصول دین، تقلید جایز نیست و هر کس باید به وظیفه‌ی خویش عمل نماید. دعا برای فرج واجب است از آن جهت که حضرت امام جواد علیه السلام به حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام فرمودند:

«ای ابوالقاسم (کنیه‌ی حضرت عبدالعظیم) مهدی علیه السلام آن امام هدایت‌گری است که واجب است در دوران غیبت انتظار او را کشید و در زمان ظهور از او اطاعت کرد.»<sup>۱</sup>

و فرمایش امام حسن مجتبی علیه السلام به مرحوم فقیه ایمانی که دعا برای فرج را مثل نمازهای پنج‌گانه واجب دانسته‌اند<sup>۲</sup> نیز مؤید این معناست.

۷- نباید دعا برای فرج را هم‌ردیف بقیه‌ی دعاها دانست و این مسئله‌ی مهم نباید به امری کلیشه‌ای و تشریفاتی تبدیل شود. نباید دعا برای فرج را به انتهای مجلس دعا و ذکر آن هم پس از دعا برای بانی مجلس، مریض مد نظر، ملتمسین دعا و اموات حاضرین! موکول نمود. در صدر همه‌ی حاجت‌ها، دعا برای ظهور امام عصر علیه السلام است. به یک یا دو دعا نیز نباید بسنده کرد. در همین یک دعا، فرج عالم و آدم نهفته است. ماهیت این دعا با بقیه‌ی دعاها تفاوت دارد. «همه‌ی مشکلات» و «مشکلات همه» را در بر می‌گیرد. علاوه بر این که این دعا، دعا برای امام زمان و حجت دهر و

۱. کمال الدین صدوق ۲: ۳۷۷.

۲. رک: ص ۱۵.



خلیفه‌ی خدا و بهترین انسان روی زمین است همه‌ی گرفتاران، بیماران، گرسنگان، بی‌پناهان، مظلومان و محرومان جهان و حتی مردگان را نیز شامل می‌شود. حتی حیوانات نیز پس از ظهور، از عدالت امام بهره‌مند خواهند شد. در احوالات مرحوم میرزا ابوالفضل قهوه‌چی گفته‌اند: وی زمانی در بیابان در یک شب برفی، گروهی گرگ را می‌بیند که به گرد یکدیگر حلقه زده و زوزه می‌کشند. با حالت تعجب به خداوند عرض می‌کند که خدایا این‌ها دیگر چه می‌گویند؟ در این هوا چه می‌خواهند؟ به او فهمانده بودند که این زیان‌بسته‌ها به درگاه خدا شکایت می‌کنند که خدایا تا کی ما حرام بخوریم؟! پس کی امام زمان عجله می‌آید تا ما هم از این حرام خوری نجات پیدا کنیم؟

۸- برخی نیز می‌گویند «تا ما درست نشویم آقا نمی‌آید.» اگر معنای این حرف این باشد که ما باید خود و جامعه‌ی خویش را اصلاح و به ظهور کمک کنیم مطلب درستی است؛ ولی اگر ناامید شویم و بگوییم تا زمانی که اوضاع به همین منوال است آقا نمی‌آید، حرف درستی نیست؛ زیرا اولاً امام در زمان ناامیدی مردمان می‌آید. دوّم آن که ایشان نیز برای اصلاح می‌آید و زمین را پر از عدل و داد می‌کند. سوّم آن که ما تحت هیچ شرایطی نباید از ظهور ناامید باشیم. هر لحظه ممکن است فرج فرا برسد.

۹- برخی اشخاص نیز با استناد به توان تسلیحاتی ابرقدرت‌ها که قادر به تخریب تمام کره‌ی زمین است با لحنی آمیخته به نگرانی و دلسوزی راجع به ظهور امام سخن گفته و اظهار می‌دارند امام چگونه خواهد توانست بر شرایط امروز جهان فائق آید؟ توجه به چند نکته در این قسمت ضروری است:

- امام معصوم «قدرة الله» است. مظهر قدرت الاهی است. با یک اشاره‌ی



حضرتش، همه‌ی سلاح‌ها و ابزارآلات جنگی از کار خواهد افتاد. امدادهای غیبی نیز به کمک آن حضرت خواهند آمد. رعب و ترسی که هیبت ایشان در دل کفار و منافقین خواهد انداخت، مانع از بسیاری از تحرکات و مخالفت‌ها علیه ایشان خواهد شد. از همین روست که در روایات از ایشان به عنوان «المنصور بالرعب» یاد شده است. یعنی «ترس»، خود از ابزارهای یاری امام به شمار می‌آید. اگرچه بنا به مصلحت الاهی، آن حضرت، از اسباب ظاهری نیز برای فتح جهان استفاده می‌کند و برخی از یاران ایشان به شهادت خواهند رسید.

- وعده‌ی قطعی الاهی به پیروزی امام عصر تعلق گرفته است. همه‌ی انبیا و اولیا به ظهور آن حضرت، بشارت و به پیروزی ایشان نوید داده‌اند. آن ولی‌خدا برای شکستن پشت ظالمان، ویران نمودن کاخ‌های ستمگران، ریشه کن نمودن اهل عصیان و طغیان و قطع ریسمان‌های دروغ و بهتان و... خواهد آمد. این بار - بر خلاف دفعات گذشته که اکثریت انبیا تکذیب شدند و همه‌ی ائمه علیهم‌السلام به شهادت رسیدند - شکستی در کار نیست. حضرت صاحب الزمان علیه‌السلام برای پیروزی خواهد آمد. محدث عالی مقام شیعه مرحوم شیخ حرّ عاملی رحمته‌الله می‌گوید:

«در عالم خواب دیدم که حضرت مهدی علیه‌السلام وارد مشهد شده‌اند. از منزل ایشان سؤال کردم. گفتند در طرف غربی مشهد در باغی که عمارتی دارد وارد شده‌اند. به خدمت آن حضرت شرفیاب شدم. دیدم در وسط مجلسی که نشسته‌اند حوضی است و حدود بیست نفر در مجلس حضور دارند.

پس از ساعتی گفتگو، غذا آوردند. اندک بود؛ اما بسیار لذیذ به طوری که همگان خوردیم و سیر شدیم؛ اما غذا همچنان به حال خود باقی بود. از

غذا که فارغ شدیم، دقت کردم دیدم شمار اصحاب آن جناب از چهل نفر تجاوز نمی‌کنند. با خود گفتم: این بزرگوار ظهور فرموده و لشکریانش بسیار اندک‌اند. ای کاش می‌دانستم آیا پادشاهان زمین از او اطاعت می‌کنند یا با آنها به جنگ برمی‌خیزد؟ آیا چگونه بدون لشکر بر آنها پیروز خواهد شد؟ پیش از آن که حرفی بزنم به من نگاهی نموده و با تبسم فرمودند:

شیعیان مرا از کمی یاور مترسان که مردانی همراه من‌اند که اگر دستور دهم که همه‌ی دشمنان را از پادشاه و... حاضر می‌کنند و گردن می‌زنند.

«وَمَا يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ»<sup>۱</sup>

لشکریان پروردگارت را جز او نمی‌داند.

از این بشارت خرسند شدم...»<sup>۲</sup>

۱۰ - نکند خدای ناکرده کسی تصوّر کند امام عصر علیه السلام به دعای ما نیازمند است. بر عکس این ما هستیم که سراپای وجودمان نیاز به ایشان است. در روایات آمده است:

«هر کس پندارد که امام به آن چه در دست مردم است احتیاج دارد کافر است.»<sup>۳</sup>

۱۱ - بی‌گمان ایمان یک نفر به یک قضیه و پافشاری و ایمان او به لزوم به کرسی نشاندن آن، عهده‌دار به کرسی نشستن آن قضیه خواهد بود و این نکته‌ای است که همه‌ی روان‌شناسان به آن قائل هستند. اینک اگر یک نفر می‌تواند آن چه را بر آن پای فشرده به کرسی تحقّق بنشانند، در صورتی که مجموعه‌ای از افراد گرد هم جمع شوند و توان فکری خود را در زمینه‌ای

۱. مدثر (۷۴): ۳۱.

۲. اثبات الهداة، باب ۲۳، معجزات صاحب الزمان علیه السلام شماره‌ی ۱۶۶.

۳. ترجمه‌ی مکیال المکارم ۲: ۳۵۳.

خاص به کار گیرند و به لزوم تحقق قضیه‌ای معین ایمان داشته باشند چه خواهد شد؟

روان‌شناسان در پاسخ می‌گویند اگر چنین مجموعه‌ای از افراد تشکیل شود، بی‌تردید قادر خواهند بود در طبیعت و در آن چه پیرامون آنهاست اثر گذاشته و بستری مناسب برای تحقق آن قضیه فراهم آورند. (غربی‌ها با اعتقاد به این اصل، مباحث مربوط به بازگشت مسیح را با آب و تاب فراوان پیگیری می‌کنند.)

مؤسسات دینی انجیلی امریکا و اروپا آن‌چه را روان‌شناسان گفته‌اند در قضیه‌ی بازگشت دوباره‌ی مسیح به زمین، پس از حادثه‌ی آرماگدون به کار بسته و به این گفته قائلند که بی‌گمان امکان تحقق هر نوع پیش‌گویی در وهله‌ی نخست، به ایمان مردم به آن و به پافشاری‌شان بر ضرورت به کرسی نشستن آن و همچنین به شمار نفرات آنها و شمار نفرات کسانی بستگی دارد که رهبری کاروان تبلیغاتی به راه افتاده برای تحقق بخشیدن به آن پیش‌گویی را بر عهده دارند.<sup>۱</sup>

۱. واقعه‌ی آرماگدون، غرب و آمادگی‌های پیش‌از ظهور، عبدالکریم زبیدی، ترجمه امین میرزایی.

چرا برای ظهور دعائی کنیم؟



اگرچه دعا برای ظهور منجی عالم بشریت، از جمله حقوق امام عصر علیه السلام بر شیعیان و از تکالیف مؤمنان در عصر غیبت و از نشانه‌های ایمان است؛ ولی متأسفانه آن‌گونه که باید و شایسته است به این مهم پرداخته نمی‌شود. برخی از علل غفلت از دعا برای تعجیل فرج عبارت‌اند از:

### نقشه‌ی ابلیس برای تأخیر ظهور

غفلت مردم از امام عصر علیه السلام و جدی نگرفتن دعا برای تعجیل فرج را می‌توان در فعالیت بی‌وقفه‌ی ابلیس و لشکریان او ریشه‌یابی کرد. حکایت سربچی ابلیس از فرمان حق تعالی مبنی بر سجده به آدم را همگان شنیده‌اند. اگرچه برخی به اشتباه می‌پندارند این نوع انسان بود که مسجود فرشتگان قرار گرفت؛ غافل از این که خداوند تعالی به ملائک و نیز ابلیس امر فرمود که به نور اهل بیت علیهم السلام که در صُلب آدم بود سجده نمایند.<sup>۱</sup> ابلیس به واسطه‌ی تکبر و نیز حسد بردن به مقام و جایگاه معصومین علیهم السلام که از سوی خداوند به مقام خلیفة اللّهی و امیری عالم هستی منصوب شده

۱. تفسیر برهان ۱: ۴۷۴.



بودند، از اجرای دستور سرپیچی نمود و از درگاه الاهی رانده شد. او که بغض آدم را در دل داشت از خداوند تقاضا کرد که در عوض عبادت‌های چند هزار ساله و خدمات گذشته‌اش، تا پایان دنیا به او مهلت داده شود تا با گمراه کردن فرزندان آدم، انتقام خویش را از آدم گرفته باشد.

«شیطان از خداوند درخواست کرد که: پروردگارا! پس مرا تا روزی که خلق مبعوث می‌شوند مهلت ده، خداوند (خطاب به شیطان) فرمود: تو تا به وقت معین و معلوم از مهلت داده شدگانی.»<sup>۱</sup>

در این هنگام بود که شیطان به عزت خداوند سوگند یاد کرد که همه‌ی فرزندان آدم را اغوا کند (مگر مخلصین) و اضافه کرد:

«... من نیز بندگان را از صراط مستقیم که شرع و آئین توست گمراه می‌گردانم. آن‌گاه از پیش روی و از پشت سر و از طرف راست و چپ آنان درمی‌آیم تا بیشتر آنان شکر نعمتت به جای نیاورند.»<sup>۲</sup>

در روایات اهل بیت علیهم‌السلام، صراط مستقیم به ائمه‌ی اطهار علیهم‌السلام تفسیر شده است<sup>۳</sup> و در خطبه‌ی جاودانه‌ی غدیر، پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم خطاب به مردم حاضر و نسل‌های آینده تأکید فرمود:

«...ای مردم من صراط مستقیم خداوند هستم که شما را به پیروی آن امر نموده و پس از من علی علیه‌السلام [همین مردی که اینک در مقابل شما، دست او را بلند می‌کنم] صراط مستقیم خداست و سپس فرزندانم، از نسل او که امامان هدایتند، به حق هدایت می‌کنند و به یاری حق به عدالت رفتار می‌کنند. (آن‌گاه رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم سوره‌ی حمد را قرائت فرمودند و ادامه

۱. حجر (۱۵): ۳۷-۳۹.

۲. اعراف (۷): ۱۶-۱۷.

۳. اصول کافی ۲: ۲۳۴، کتاب الحجّة.



دادند) این سوره درباره‌ی من نازل شده است و به خدا قسم درباره‌ی امامان نازل شده است. به طور عموم شامل آنان است و به طور خاص درباره‌ی آنان است. ایشان دوستان خدایند که ترسی بر آنان نیست و محزون نمی‌شوند. بدانید که حزب خداوند غالب است. بدانید که دشمنان ایشان سفهاء گمراه و برادران شیطانند که اباطیل را از روی غرور به یکدیگر می‌رسانند...<sup>۱</sup>

آری؛ شیطان قسم یاد کرده است که بر صراط مستقیم نشسته و همگان را به گمراهی و انحراف بکشانند و از آن جا که صراط مستقیم، اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام و در این زمانه وجود مقدس حضرت ولی عصر علیه‌السلام می‌باشند، می‌توان نتیجه گرفت هم اینک عمده‌ی تلاش و برنامه‌ریزی شیطان بر دور کردن مردم از اهل بیت علیهم‌السلام، خاصه وجود مقدس امام عصر علیه‌السلام متمرکز است. از سویی مسأله‌ی ظهور برای شیطان، حکم مرگ و زندگی را دارد؛ زیرا شیطان از خداوند متعال تا روز قیامت مهلت خواست، ولی تنها تا «وقت معلوم» به او مهلت داده شد. برای دانستن این زمان به سراغ روایات می‌رویم. حضرت امام محمد باقر علیه‌السلام فرمودند:

«منظور از وقت معلوم در آیه‌ی شریفه، روز قیام قائم آل محمد علیهم‌السلام است. هر گاه خداوند او را برانگیزد، ابلیس در مسجد کوفه می‌آید در حالی که بر زانوانش راه می‌رود و می‌گوید: ای وای از این روزگار! آن گاه (موی بالای) پیشانی‌اش را می‌گیرند و او را گردن می‌زنند. آن هنگام روز وقت معلوم است که مدت او به پایان می‌رسد.»<sup>۲</sup>

حضرت امام رضا علیه‌السلام نیز در تفسیر آیه‌ی شریفه فرموده‌اند:

۱. خطابه‌ی غدیر: ۷۲، محمد باقر انصاری.

۲. بحار الانوار ۵۲: ۳۷۶.

«وقتی که نزد همگان برای پایان زندگی شیطان معلوم است، روز ظهور قائم ما اهل بیت علیهم السلام است.»<sup>۱</sup>

در برخی روایات نیز آمده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که برای یاری فرزند دلبنده خویش به دنیا رجعت فرموده‌اند با ضربه‌ای سهمگین به میان دو شانه‌ی شیطان، او را از پای درمی‌آورند.<sup>۲</sup>

پس به جهت آن که ظهور مبارک امام عصر علیه السلام ناقوس مرگ ابلیس و انهدام سپاه او را به صدا در خواهد آورد، طبیعی است شیطان و لشکریان او، تمام تلاش و توان خویش را برای به تعویق انداختن وقت ظهور و بازداشتن مردم از توجه به امام عصر علیه السلام به کار گیرند. البته سخن گفتن راجع به ماهیت شیطان، سوابق او، علل سرکشی او و نیز راه‌های نفوذ او در انسان، مجال دیگری می‌طلبد؛ اما در یک کلام می‌توان گفت این دشمن دیرینه و قسم خورده‌ی انسان با بنی آدم و طریق اهل بیت علیهم السلام اعلان جنگ کرده است و در راستای عمل به سوگند خویش تا آنجا گستاخی به خرج داده است که حتی بخت خویش را در مورد پیامبران نیز آزموده و به زعم باطل خویش در صدد اغوای آنان بر آمده؛ تا آنجا که خداوند تعالی حضرت موسی علیه السلام را از شر او پرهیز داده و به او فرموده است تا وقتی به مرگ شیطان یقین پیدا نکرده‌ای، هرگز خود را از مکر و حيله و نیرنگ او در امان ندان.

گفتیم دعوی اصلی شیطان، مسئله‌ی ولایت آل الله علیهم السلام است و در روایات آمده است که تا لحظه‌ی جان دادن نیز، شیطان برای ربودن این گوهر گران‌بها، مؤمنین را رها نمی‌سازد. خطر بسیار جدی است. اگر تصور

۱. کمال الدین ۲: ۳۷۱.

۲. بحار الانوار ۵۳: ۴۳.

کنید تا به حال شیطان برای کسی دل سوزانده است کاملاً در اشتباه هستید. ذره‌ای رحم، شفقت و عاطفه در شیطان جای ندارد. به نابودی ما کمر بسته است. با کوچک‌ترین غفلت، انسان را به پرتگاه‌های عمیق و درّه‌های هولناک سقوط می‌دهد. خداوند متعال هم بارها و بارها در قرآن کریم به انسان‌ها هشدار می‌دهد که شیطان دشمن شماست، او را دشمن بدانید<sup>۱</sup> و از مکر او غافل نشوید.

درست است که تلاش اصلی شیطان به موضوع «ولایت اهل بیت (علیهم‌السلام)» و بازداشتن بندگان خدا از این شاه‌راه سعادت متمرکز است؛ اما این گونه نیست که اگر کسی به وادی ولایت وارد نشد دیگر شیطان به او کاری نداشته باشد.

عکس این مطلب نیز صادق است. این گونه هم نیست که اگر کسی، ولایت اهل بیت (علیهم‌السلام) را پذیرفت شیطان به کلی از گمراه کردن او ناامید شود و او را به حال خود رها سازد. هیچ کس در هیچ مرتبه‌ای از کید و مکر ابلیس در امان نیست. (به جز حضرات معصومین (علیهم‌السلام) و مؤمنان حقیقی) فهم این معنا را نیز، روایات آسان کرده‌اند.

زیرا هر کجا زیبایی، خوبی، خیر و نیکی در عالم هست، منشأ آن اهل بیت (علیهم‌السلام) هستند و هر چه زشتی، پلیدی، فساد، تباهی و ظلمت در عالم است، منشأ گرفته از دشمنان اهل بیت (علیهم‌السلام) است.<sup>۲</sup>

۱. فاطر (۳۵): ۶.

۲. امام صادق (علیه‌السلام) فرمود: «نحن اصل كل خير ومن فروعنا كل برّ ومن البرّ التوحيد والصلاة والصيام وكظم الغيظ والعفو عن المسيء ورحمة الفقير وتعهد الجار والإقرار بالفضل لأهله، وعدونا اصل كل شرّ ومن فروعهم كل قبيح وفاحشة فمنهم الكذب والبخل والنميمة والقطيعة الرحم وأكل الربا وأكل مال اليتيم بغير حقّه وتعدّي الحدود التي أمر الله وركوب الفواحش ما ظهر منها وما بطن



به هر حال اگر می‌خواهید به گستره‌ی نفوذ شیطان و برنامه‌های او برای بازداشتن مردم از راه خداوند و صراط مستقیم رستگاری یعنی امام عصر علیه السلام پی ببرید، نگاهی به دنیای اطراف خویش بیاندازید. امروزه از هر چهار نفر جمعیت جهان، یک نفر مسلمان است.

وقتی دعوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آغاز شد برخی از علمای یهود که به واسطه‌ی موقعیت دینی خویش، هر ساله هدایایی از سوی عوام یهود دریافت می‌کردند، احساس خطر نمودند - هر چند می‌دانستند این پیامبر همان موعود تورات و انجیل است - حق را پوشاندند و برای حفظ مقام و موقعیت خویش و اخذ مال و دریافت هدایا از پیروان آئین یهود، چنین وانمود کردند که موعود تورات و انجیل بعدها خواهد آمد.<sup>۱</sup> در حقیقت، شیطان در این جا وارد عمل شد و راه رستگاری ده‌ها و شاید صدها میلیون انسان را مسدود کرد.

از میان جمعیت یک میلیارد و پانصد میلیونی مسلمانان شناسنامه‌ای نیز تنها در صدی از آنان شیعه می‌باشند. در مقطعی حساس از تاریخ، ابلیس با سامان‌دهی و هدایت سقیفه‌ی بنی‌ساعده، میلیاردها انسان را از ریشه و

۱. والزنا والسرقه وكل ما وافق ذلك من التبیح، فكذب من زعم انه منا وهو متعلق بفروع غیرنا». ما اساس هر خوبی هستیم و هر چه نیکی است از فروع ماست. یعنی ما درخت مبارک و شجره‌ی طیبه‌ای هستیم که شاخه‌های آن جز فضیلت و تقوا و خوبی میوه‌ای ندارد و در شمار نیکی هاست، توحید، نماز و روزه و فرو بردن خشم و بخشیدن خطا کار و دلجویی از فقیران و رعایت حال همسایگان و اعتراف به فضل صاحبان فضل و دشمنان ما ریشه و اصل هر شرّ و بدی هستند و هر چه پلیدی و زشتی است از شاخه‌های «شجره‌ی خبیثه» آن هاست و دروغ، بخل، سخن چینی، قطع رحم، رباخوری، تجاوز به مال یتیمان، سرقت، زنا و ارتکاب هرگونه خطا و تبه‌کاری، از آن‌ها ناشی می‌شود. بنابر این دروغ گفته است کسی که پنداشته است با ماست در حالی که او به گواهی اعمال زشتش وابسته به غیر ماست و از پیوند خوردگان به درخت ناپاک دشمنان ماست. (کافی ۸: ۲۴۳)

۱. به تفسیر صافی و مجمع البیان ذیل آیه‌ی ۴۱ سوره‌ی بقره مراجعه شود.

اساس با ولایت و امامت بیگانه ساخته و از صراط مستقیم گمراه نموده است. این مسأله، مهارت و عزم ابلیس را در کار خویش به تصویر می کشد که چگونه با ایجاد یک انحراف، خیال خود را از هلاکت عدّه‌ی زیادی آسوده می کند و به جای آن که برای گمراه کردن فرد فرد انسان‌ها، زحمت بکشد با سرمایه گذاری بر روی یک فرد یا جریان خاص، میلیون‌ها و چه بسا میلیارد‌ها انسان را به ورطه‌ی انحراف و گمراهی می کشاند. در میان شیعیان نیز فرقه‌های مختلف و منحرفی هم چون کیسانیه، زیدیه، اسماعیلیه، واقفیه... وجود دارند.<sup>۱</sup>

به شیعیان دوازده امامی که می رسیم تازه اول کلام است و اتفاقاً بیش ترین حساسیت و فعالیت ابلیس در این گروه متمرکز است؛ زیرا اگر شیعیان به صورت یک پارچه متوجه‌ی امام عصر علیه السلام شده، برای ظهور ایشان دعا کنند و آماده‌ی پذیرش و تحمل حضرت، اطاعت از فرامین او و جان فشانی در راه ایشان باشند طبق روایات، فرج محقق شده به زندگی ابلیس در این دنیا پایان داده خواهد شد.

ابلیس با اهل سنت در این خصوص چندان کاری ندارد؛ اگر چه در صورت امکان، آن‌ها را به خصومت بیش تر با امام وامی دارد. آن‌ها با هر

۱. اغلب این فرقه‌ها، مولود نفس اماره، قدرت طلبی، منفعت‌های شخصی و یا سودجویی برخی اشخاص از وکلای ائمه علیهم السلام بود که به جهت در اختیار داشتن اموال زیاد، پس از شهادت آن امام، حاضر به استرداد اموال به امام بعدی نبودند. درجه‌ی انحراف برخی از این فرقه‌ها بسیار زیاد است، هم چون فرقه‌ی اسماعیلیه که امامان معصوم پس از امام جعفر صادق علیه السلام را به امامت قبول نداشته و حتی به ایشان جسارت و سب می کنند و طبق روایات زیادی که فرموده اند هر کس یک نفر از ما امامان را انکار کند گویی همه‌ی ما را انکار کرده و کافر شده است. (غیبت نعمانی: ۳۷)

و نیز حدیث شریف «الناصب لنا اهل البيت أنجس من الكلب» یعنی دشمن ما اهل بیت علیهم السلام از سگ نجس تر است (کشف الثمام فاضل هندی ۱: ۴۸) جایگاه آن‌ها در تفکر شیعه‌ی اثناعشری واضح می شود. حسن صباح، ناصر خسرو، ابوریحان بیرونی... اسماعیلی مذهب بوده اند.

نفسی که می‌کشند و هر ساعتی که از عمرشان می‌گذرد در انحراف خود عمیق‌تر و از مقصد خلقت دور و دورتر می‌شوند؛ اما شیطان دست از سر شیعیان بر نمی‌دارد.

در تفسیر آیه‌ی شریفه‌ای که گفت و گوی ابلیس با خداوند - تعالی - را بیان کرده و ابلیس خطاب به حضرت حق می‌گوید: «هر آینه بر سر راه ایشان در صراط مستقیم تو می‌نشینم.»<sup>۱</sup> امام محمد باقر علیه السلام فرمودند:

«ای ز راه! بر سر راه تو و دوستان تو می‌نشیند؛ از دیگران [که خود گمراه‌اند] خیالش آسوده است.»<sup>۲</sup>

و امام صادق علیه السلام نیز فرموده‌اند:

«همانا ابلیس، ریسمان خود را در این خانه‌ی فریب (دنیا) آویخته است و در این کار جز دوستان ما را هدف‌گیری نکرده است.»<sup>۳</sup>

ابلیس مصمم است به هر نحو ممکن، شیعیان را از امام خویش غافل و دور سازد. در کار خود نیز فوق‌العاده استاد است. نقطه ضعف هر یک از ما را هم به خوبی می‌داند و می‌شناسد. مایل نیست دل‌های ما متوجه به آستان صاحب و مولایمان شود. تا می‌تواند تلاش می‌کند باب معرفت امام را ببندد. نمی‌گذارد به معرفت و محبت شایسته‌ای نسبت به امام دست یابیم. تا می‌تواند، اجازه نمی‌دهد گوینده‌ای از امام عصر علیه السلام سخن بگوید، نویسنده‌ای راجع به امام عصر علیه السلام مطلبی بنویسد، شاعری راجع به منجی عالم بشریت شعر بگوید... حتی برخی در طول تاریخ با اغوا و القای شیطان، ادعای مهدویت کرده‌اند! خیلی‌ها با اشتغال به گناه و معصیت و لهور

۱. اعراف (۷): ۱۶.

۲. محاسن برقی: ۱۷۱، تفسیر عیاشی ۲: ۹.

۳. تحف العقول: ۲۲۱.

و لعب، گوش دادن به موسیقی و... از امام دور می‌شوند. مؤلفین و ناشرین کتاب‌های مذهبی به دکان داری و کاسب‌کاری می‌افتند. برخی‌ها وقتی سخن از دعا برای ظهور به میان می‌آید آن را جدی نمی‌گیرند و چه بسا عذر می‌آورند و یا از پیش خود مطالبی فاقد مبنا از قبیل «حالا حالاها حضرت نمی‌آید!» و... بر زبان می‌آورند.

خلاصه در آنچه ما را از توجه به حضرت ولی عصر عجل الله فرجه و دعا برای تعجیل فرج باز می‌دارد، می‌توان رد پای ابلیس را جست‌وجو و مشاهده کرد. راه فرار از کمند شیطان و نیرنگ‌های پیچیده‌ی او نیز فقط و فقط پناه بردن به خداوند متعال و ائمه‌ی اطهار علیهم‌السلام است. شیطان از امام، به شدت می‌هراسد و با یک نگاه آن حضرت پا به فرار می‌گذارد. خود را به امام بسپاریم و با توسل و تضرع، از امام زمان عجل الله فرجه بخواهیم که ما را تحت الحمایه‌ی خویش گیرد و شرّ شیطان و ایادی او را از ما دور نماید.

### به امام معرفت نداریم

برخی از ما برای فرج دعا نمی‌کنیم چون به آن حضرت معرفت نداریم؛ یا به دنبال کسب معرفت نبوده‌ایم و اهمّیت بحث معرفت امام را درک نکرده‌ایم. برخی دیگر نیز معرفت اشتباهی کسب کرده‌ایم. از امام محمد باقر علیه‌السلام یا امام جعفر صادق علیه‌السلام روایت است که فرمودند:

«بنده‌ی خدا مؤمن نخواهد بود مگر این‌که خدا و رسول و همه‌ی امامان را بشناسد و نیز امام زمانش را بشناسد و در تمام امور خود به او مراجعه کند و تسلیم امر وی باشد.»<sup>۱</sup>

و نیز امام صادق علیه السلام فرمودند:

«هرکس شبی را صبح کند در حالی که امام زمانش را نشناسد، به مرگ

جاهلیت می میرد.»<sup>۱</sup>

و نیز آن حضرت فرمودند:

«کمترین معرفت به امام آن است که امام هم سنگ و مساوی پیامبر

است، مگر در درجه‌ی نبوت.»<sup>۲</sup>

همچنین در تفسیر آیه‌ی شریفه‌ی قرآن که می فرماید:

«در روز قیامت هر گروهی را به وسیله‌ی امامشان فرا می خوانیم.»<sup>۳</sup>

امام محمد باقر علیه السلام فرمودند:

«پیامبر صلی الله علیه و آله در میان قوم خود می آید و نیز علی علیه السلام در میان قوم خود

می آید و حسن علیه السلام در میان قوم خود و هرکس در روزگار هر امامی که

باشد با همان امام به صحرائی محشر خواهد آمد.»<sup>۴</sup>

هر امام معصومی با امت زمان خویش محشور می شود و ما نیز در روز

قیامت باید پشت سر امام زمان علیه السلام حرکت کنیم و راجع به ولایت ایشان از

ما سؤال و پرسش خواهند کرد. مؤلف یکی از کتاب‌های مهدویت در

خصوص انگیزه‌ی خویش از تألیف کتاب می گفت: خواب دیدم قیامت

برپا شده است و به حساب و کتاب افراد رسیدگی می کنند. نوبت من فرا

رسید. پرونده‌ی اعمالم را ورق می زدند و از اعمال من می پرسیدند. من

عبادت‌ها، سوابق و خدمات خود را یک یک بیان می کردم. سؤالی که مکرراً

۱. غیبت نعمانی: ۶۲.

۲. البرهان ۲: ۲۴.

۳. بنی اسرائیل (۱۷): ۷۱.

۴. تفسیر عیاشی ۲: ۳۰۲.





از من پرسیده می‌شد، این بود که: «برای امام زمانت چه کردی؟» از خواب بیدار شدم و تصمیم گرفتم راجع به حضرت ولی عصر علیه السلام کتابی تألیف کنم. نکته‌ی مهم آن است که برای کسب معرفت نیز باید در همان راهی که اهل بیت علیهم السلام به ما نشان داده‌اند قدم بگذاریم. امام صادق علیه السلام فرموده‌اند: معرفت از ساخته‌های خداوند است<sup>۱</sup>. از این رو از بهترین راه‌های کسب معرفت نسبت به حضرات معصومین خاصه حضرت ولی عصر علیه السلام دعا و طلب معرفت از خداوند است و مداومت بر این دعا که در زمان غیبت بر خواندن آن تأکید شده است:

اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي نَفْسَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْكَ وَلَمْ أَعْرِفْ رَسُولَكَ. اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ. اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي.

بار خدایا! خودت را به من بشناسان؛ زیرا اگر خودت را به من شناسانی تو و پیامبرت را نمی‌شناسم. خدایا! پیامبرت را به من معرفی فرما؛ زیرا اگر پیامبرت را به من شناسانی، حجت تو را نخواهم شناخت. خداوندا! حجتت را به من بشناسان؛ زیرا اگر حجتت را به من شناسانی، نسبت به دینم گمراه می‌گردم.<sup>۲</sup>

به ویژه در مجالس ذکر اهل بیت علیهم السلام یکی از دعاهایی که با توجه از خداوند درخواست می‌کنیم این دعا باشد که:

«خدایا روز به روز بر معرفت، محبت و مودت ما نسبت به امام زمانمان

بیافزا.»

۱. اصول کافی ۱: ۱۶۳.

۲. صحیفه‌ی مهدیه: ۳۵۶.

دومین راه کسب معرفت امام عصر علیه السلام رجوع به روایات اهل بیت علیهم السلام است آن جا که شأن امام را بیان کرده‌اند. گاهی از اوقات یک روایت، دیدگاه انسان را به صورت عجیبی دگرگون می‌کند. به این روایت از امام صادق علیه السلام توجه کنید:

«خدای عزوجل دوازده هزار جهان (عالم) دارد. هر جهانی بزرگ‌تر از هفت آسمان و هفت زمین است. هیچ کدام از (ساکنین) این جهان‌ها گمان نمی‌کنند که خداوند جهان دیگری غیر از خودشان ساخته است و من بر همگی آن‌ها حجّت هستم.»<sup>۱</sup>

آری امام زمان علیه السلام هم اکنون نه تنها بر اهل زمین حجّت‌اند که بر تمام ساکنین آسمان‌ها و هر آن چه خداوند خلق نموده، امام و حجّت می‌باشند. به چند روایت نورانی از ائمه‌ی اطهار علیهم السلام گوش جان می‌سپاریم و جان و دل را صفا می‌بخشیم.

امام هفتم، حضرت موسی بن جعفر علیه السلام درباره‌ی قول خداوند که می‌فرماید:

«و چه کسی گمراه‌تر از کسی است که پیروی از هوای خود به غیر هدایتی از جانب خداوند کند.»<sup>۲</sup>

فرمودند:

«یعنی کسی که رأی و نظر خود را بدون تمسک به امامی از ائمه‌ی هدایت، دین و راه و روش خود قرار دهد.»<sup>۳</sup>

و این حدیث صحیح، دلالت دارد بر این که هرکس دینش را از غیر ائمه‌ی هدی علیهم السلام بگیرد، حتی از کفار گمراه‌تر است.

۱. خصال صدوق: ۱۱، بحار الانوار ۵۴: ۳۲۰.

۲. قصص (۲۸): ۵۰.

۳. رساله‌ی اربعین تفرشی، ح ۶.

مولای ما، امام زین العابدین علیه السلام فرمودند:

«... و بدانید که هرکس با اولیای خداوند مخالفت ورزد و به غیر از دین خدا ائینی برگزیند و به امر خود - نه امر ولّی خدا - پای بند شود، در آتشی می باشد که زبانه می کشد. آتشی که بدن های آنها را - که روح هایشان از آنها غایب اند و شقاوت بر ایشان غلبه کرده است - می خوزد. پس آنها مرده هایند که حرارت آتش را نمی فهمند و اگر زنده بودند، درد و رنج و حرارت آتش را احساس می کردند. پس ای صاحبان بصیرت؛ عبرت بگیرید و خدا را بر آن چه هدایت تان فرموده سپاس گویند.»<sup>۱</sup>

و امام محمد باقر علیه السلام درباره ی گفتار خداوند عزوجل که: «فساد در خشکی و دریا به خاطر کارهایی که مردم انجام دادند آشکار شد.»<sup>۲</sup> فرمودند:

«این آیه به خدا قسم درباره ی زمانی است که گروه انصار گفتند: امیری از ما و امیری از شما.»<sup>۳</sup>

و امام صادق علیه السلام در مورد آیه ی شریفه ی سوره ی حمد که همه ی ما هر روز در نمازهای یومیّه، بارها آن را تکرار می کنیم و از خدا می خواهیم که ما را در زمره ی غضب شدگان و گمراهان قرار ندهد، فرمودند: «غیر المغضوب علیهم» یعنی کسانی که بر آنها غضب شده است، ناصبی ها (دشمنان ائمه علیهم السلام) هستند و «ضالّین» یا گمراهان کسانی هستند که در حال شک بوده و امام را نمی شناسند.<sup>۴</sup>

۱. صحیفه ی امام زین العابدین علیه السلام در زهد، رساله ی اربعین تفرشی، ح ۱۷.

۲. روم (۳۰): ۴۱.

۳. روضه ی کافی، اربعین تفرشی ح ۱۸. (این جمله در سقیفه ی بنی ساعده میان انصار و مهاجرین ردوبدل شد.)

۴. تفسیر علی بن ابراهیم قمی، رساله ی اربعین تفرشی ح ۳۷.

شیخ صدوق رحمۃ اللہ علیہ می گوید: اعتقاد ما در مورد کسی که امامت امیرالمؤمنین علیہ السلام و ائمہی بعد از ایشان را انکار کند، این است که او همانند کسی است که انکار نبوت تمامی انبیا علیہم السلام را کرده باشد و اعتقاد ما دربارهی کسی که اقرار به امیرالمؤمنین علیہ السلام داشته باشد و یکی از ائمہی بعدی را انکار کند این است که او همانند کسی است که اقرار به همهی انبیا کرده ولی نبوت پیامبر ما صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم را انکار کند.<sup>۱</sup>

حضرت امام صادق علیہ السلام فرمودند:

«به درستی که حضرت نوح علیہ السلام در کشتی، سگ و خوک را سوار کرد ولی هرگز در آن، زنازاده را سوار ننمود و ناصبی (دشمن اهل بیت علیہم السلام) از زنازاده بدتر است.»<sup>۲</sup>

حضرت علی علیہ السلام می فرمایند:

«ای کمیل، هرگز فریب کسانی را مخور که نمازهای طولانی به جامی آورند و صدقه داده، خیال می کنند که توفیق الاهی شامل حال آنهاست. ای کمیل، به خدا قسم از رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم شنیدم که می فرمودند هرگاه شیطان، گروهی را به کارهای زشت هم چون زنا، شراب، ربا و گناهان دیگر مانند آنها بکشاند، عبادت شدید و رکوع و خضوع را هم محبوب آنها می سازد؛ سپس آنها را به پذیرش ولایت امامانی که به سوی آتش می کشانند و روز قیامت یاری نمی شوند، می کشاند.»<sup>۳</sup>

همچنین آن حضرت می فرمایند:

۱. اعتقادات شیخ صدوق.

۲. عقاب الاعمال صدوق، عقاب ناصب و جاحد امیرالمؤمنین علیہ السلام ... ح ۲۳.

۳. بحار الانوار ۷۴: ۲۷۴، مستدرک ۴: ۹۵.

«... پس به درستی که خداوند تبارک و تعالی موجودی که از سگ نجس تر باشد خلق نفرموده است و به درستی که دشمن ما اهل بیت علیهم السلام از آن هم نجس تر است.»<sup>۱</sup>

روایات ما می گوید، هم اکنون به خاطر وجود مقدس امام عصر علیه السلام است که آسمان، بارانش را بر زمین نازل می کند. خورشید پرتوافشانی می نماید. گیاهان از زمین می رویند و درختان میوه می دهند و نهرها جاری است. به واسطه ی آن بزرگوار است که همه ی مخلوقات خداوند روزی می خورند و از نعمت حیات برخوردارند. به واسطه ی امام زمان علیه السلام است که خداوند، آسمان را نگه می دارد تا بر زمین فرو نیفتد و اگر لحظه ای امام نباشد زمین اهلیش را فرو خواهد برد. آری در هر ثانیه به خاطر وجود مقدس امام عصر علیه السلام میلیاردها نعمت به هر یک از مخلوقات می رسد و این در امور مادی است. در امور معنوی نیز «باب خدا» و «واسطه ی فیض» میان خداوند و مخلوقات، فقط و فقط امام زمان علیه السلام است و هر کس می خواهد به خدا برسد چاره ای ندارد جز آن که از طریق امام عصر علیه السلام وارد شود. به وسیله ی آن بزرگوار است که نماز ما قبول می شود، اعمال ما پذیرفته می شود، گناهان ما آمرزیده می شود...

از سویی دوران غیبت دوران سرگردانی شیعه است. امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام می فرمایند:

«برای قائم ما، غیبتی بسیار طولانی است و گویا من شیعیان را می نگرم که در غیبت او به سان گله ی بدون شبان سرگردانند؛ دنبال چراگاهند و نمی یابند. آگاه باشید که هر کسی از اینان بر دین خویش استوار باشد و قلبش به خاطر غیبت طولانی امام خود سخت نگردد، چنین کسی در

قیامت در درجه‌ی من و با من است.»<sup>۱</sup>

دوران غیبت، دوران رنج و مصیبت شیعیان و امتحان و ابتلای آن‌ها نیز هست. چنان که امام رضا علیه السلام فرموده‌اند:

«چه بسیار مؤمن دل سوخته‌ای که در فقدان آب گوارا، در حیرت و حزن به سر می‌برد.»<sup>۲</sup>

آب، ضروری‌ترین ماده‌ی حیات است و امام «عین الحیاة» چشمه‌ی حیات و عصر غیبت، عصر محرومیت از چشمه‌ی گوارای امامت و ولایت است و بی‌حکمت نیست که «بئر معطله» که در قرآن کریم به آن اشاره شده است را به امام عصر علیه السلام تأویل کرده‌اند. یعنی «چاه آبی» که بدون استفاده مانده است. عالمی که از علم او بهره برده نمی‌شود، چاره‌سازی که حلّ مشکل به دست او سپرده نمی‌شود.

دوران غیبت، دوران اضطراب و اندوه شیعه نیز هست؛ همان‌گونه که امام صادق علیه السلام به ابراهیم گزّخی فرمودند:

«او (حضرت مهدی علیه السلام) پس از یک تنگنای شدید و بلای طولانی و ترس و وحشت و اضطراب، غم و اندوه شیعیان را می‌زداید. خوشا به حال آنان که زمان او را درک کنند.»<sup>۳</sup>

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند:

«در آن زمان، فتنه‌ها و بدعت‌ها بر دین چنان شایع می‌شود که نوزادان بر آن بدعت‌ها نشوونما می‌کنند و کودکان بر آن‌ها بزرگ می‌شوند و بزرگان بر آن‌ها پیر می‌گردند، تا این‌که آن بدعت‌ها به سنت مبدّل می‌شود و

۱. کمال الدین: ۳۰۳.

۲. عیون اخبار الرضا علیه السلام: ۲: ۶.

۳. بحار الأنوار: ۵۱: ۱۴۴.



چنان مستحکم می‌گردد که اگر چیزی از آن‌ها تغییر داده شود فریادها برمی‌آید که سنتی تغییر یافته است.<sup>۱</sup>

### به امام، محبت شایسته نداریم

گفتیم برخی از ما برای ظهور امام عصر ع دعا نمی‌کنیم، چون به آن حضرت معرفت نداریم. نیز برخی از ما برای تعجیل در فرج دعا نمی‌کنیم، چون به آن جناب محبت نداریم و در هر دو صورت باید در اندیشه و روش خویش تجدیدنظر کنیم. حضرت خاتم الأنبياء ص فرمودند:

«هیچ بنده‌ای حقیقت ایمان را درک نمی‌کند؛ مگر این که من نزد او از خودش محبوب‌تر باشم و عترت مرا بیش از عترت خود و خانواده‌ام را بیش از خانواده‌ی خود و جان مرا بیش از جان خود دوست داشته باشد.»<sup>۲</sup>

آیا ما امام زمان ع را از خودمان بیش‌تر دوست داریم؟ آیا آن‌قدر که به فکر خانواده و فرزندان خویش هستیم و در صدد تأمین آسایش و امنیت آن‌ها برمی‌آییم به فکر مولای خویش و حرکت در مسیر رضایت و خواسته‌های ایشان بوده‌ایم؟

اگر عزیزترین عضو خانواده‌ی ما مفقود شود و از او خبری نداشته باشیم آیا بی‌تفاوت و خونسرد در جای خویش می‌نشینیم یا سپندوار به جست‌وجو می‌پردازیم؟ اساس دین اسلام، محبت است و در این میان محبت به حضرت حجّت ع آن‌قدر با اهمّیت است که خداوند - تعالی - در شب معراج خطاب به حبیب خویش فرمودند:

۱. الملاحم والفتن: ۱۵۳، مهدی منتظر: ۱۲۴.

۲. بحار الانوار ۲۷: ۸۶.

«یا محمد! احبّه فانّی احبّه و احبّ من یحبّه.»<sup>۱</sup>

ای محمد! مهدی را دوست بدار به درستی که من دوست دار او هستم و دوست می دارم هرکس او را دوست بدارد.»<sup>۲</sup>

حضرت ولی عصر علیه السلام نیز خطاب به دوستان خویش فرموده اند:

«باید هر یک از شما آن چه او را به محبت و دوستی ما نزدیک می سازد به جای آورد و از آن چه او را به کراهت و خشم ما نزدیک می نماید دوری کند.»<sup>۳</sup>

باید به امام زمان خویش محبت پیدا کنیم و اعتقاد راسخ داشته باشیم که برای تقرّب به آن حضرت، رسیدن به وصال ایشان و جلب توجه و عنایت آن بزرگوار، هیچ راهی مهم تر و میان برتر از محبت به آن حضرت نیست و اما راه های ازدیاد محبت امام در قلب های ما:

۱ - امیر مؤمنان علی علیه السلام فرموده اند:

«من احبّ شیئاً لهج بذكره.»<sup>۴</sup>

«هرکس چیزی را دوست بدارد، همواره نام آن را بر زبان جاری می کند.»

سعی کنید امام زمان علیه السلام را با قلب و زبان یاد کنید. به هنگام نشستن، برخاستن، خوابیدن، بیدار شدن، سوار شدن، پیاده شدن، موقعی که بر سر سفره ی غذا می نشینید، هر وقت نعمتی به شما می رسد، بلایی از شما دفع می شود و در هر کجا و در هر حال ذکر شریف «یا صاحب الزمان» را فراموش نکنید.

۱. محاسن برقی: ۱۷۱، تفسیر عیاشی ۲: ۹.

۲. بحار الأنوار ۳۶: ۲۲۳، باب ۴۰، ح ۲۱.

۳. بحار الأنوار ۵۳: ۱۷۵.

۴. غرر الحکم، ح ۷۸۵۱.

۲- اگر محبّی از محبوب خویش دور بیفتد و به هجران او گرفتار شود بی‌قرار خواهد شد، گریه سر خواهد داد و به دنبال او خواهد گشت. سعی کنید در فراق امام، بر غیبت او و بر غصّه‌های او اشک بریزید. اشعاری که در مدح، فضایل، مناقب و شرح غم‌ها و هجران آن امیر زمانه سروده شده است را زمزمه کنید. چشم اشک‌بار در هجران آن حضرت از نشانه‌های ایمان است؛ چنان‌که امام صادق علیه السلام فرمودند:

«... و لتدمعن علیه عیون المؤمنین.»<sup>۱</sup>

«... (در زمان غیبتش) دیدگان مؤمنان، بر او (حضرت مهدی علیه السلام) بسیار گریان می‌باشد.»

از دوری ایشان ابراز ناراحتی و نگرانی کنید و خود و دیگران را به گریه وادارید. برای زیارت آن حضرت در خلوت و در حضور دیگران اظهار شوق و علاقه کنید. با امام نجوا کنید و در مکان‌هایی هم‌چون حرم امام هشتم علیه السلام، حرم حضرت معصومه علیه السلام و مسجد مقدّس جمکران با امام نجوا کرده، فرازهای دعای ندبه را زمزمه نموده و از عمق جان بگویید: «متی ترانا ونراک»...

۳- از میان زیارت‌های امام عصر علیه السلام به چند زیارت بیشتر اهتمام بورزید. یکی «زیارت آل یاسین» که حضرت، خود فرموده‌اند هر وقت می‌خواهید به ما توسّل پیدا کنید و با من سخن بگویید این زیارت را بخوانید. دوّم استغاثه‌ی به حضرت مهدی علیه السلام است که با این جمله شروع می‌شود «سلام الله الکامل التام الشامل...» و در مفاتیح الجنان آمده است. سوّم زیارت جامعه‌ی کبیره است که سعی شود حدّ اقل هفته‌ای یک بار خوانده شود.

۴ - امام زمان علیه السلام از پدر مهربان‌تر و از مادر دلسوزتر و از برادر به ما نزدیک‌تر است. شیطان در صدد ایجاد فاصله میان ما و امام و القای این فاصله است. نگویند «ما کجا و امام زمان کجا؟... ما روسیاهیم... گناه کاریم...» با القانات شیطان مبارزه کنید.

۵ - حرف‌هایی که حتی با نزدیک‌ترین افراد به خویش نمی‌توانید مطرح کنید به راحتی و بدون خجالت با امام خویش مطرح سازید. آن ولی زمانه، حلال مشکلات مادی و معنوی ما و متکفل امور شیعیان و همه‌ی اهل عالم است. مشکلات مربوط به ازدواج، تحصیل، شغل، مسکن، فرزند، دنیا و آخرت خود را با ایشان در میان بگذارید.

۶ - در همه‌ی سفرهای زیارتی به نیابت از امام زمان علیه السلام به زیارت بروید. فرض کنید امام عصر علیه السلام به شما پولی داده‌اند و فرموده‌اند «به نیابت از من، حرم عمّه‌ام حضرت معصومه علیها السلام را در قم زیارت کن.» ثواب زیارت‌ها را هم برای تسریع امر ظهور، نثار کنید.

۷ - با خداوند عهدی ببندید و ثواب تمامی اعمال خیری که تا کنون انجام داده و از این پس انجام می‌دهید اعم از زیارت، نماز جماعت، عزاداری، انفاق، صله‌ی رحم، تلاوت قرآن، نیکی به پدر و مادر، زیارت اهل قبور، یتیم‌نوازی و... را برای تعجیل فرج هدیه کنید. این عهد از ثواب و اجر شما نخواهد کاست؛ بلکه عنایات آن حضرت را به سوی خویش سرازیر نموده‌اید.

۸ - برای امام عصر علیه السلام عامیانه و به زبان ساده دعا کنید. همان گونه که برای خود و پدر و مادر و یا دوستانتان دعا می‌کنید. مثلاً بگویید: «خدایا سلامتش نگهدار... غم و غصه را از دلش بردار... حاجاتش را روا کن... موانع ظهورش را برطرف کن... دشمنانش را خوار و ذلیل کن... فرجش را

همین لحظه برسان...»

۹ - روزانه به هر مقدار که برایتان امکان دارد برای سلامتی وجود مقدّسش صدقه بدهید. خود و خانواده‌ی خویش را بیمه‌ی صاحب الزمان علیه السلام نمایید.

۱۰ - اگر به تنهایی بضاعت ندارید، به همراه تنی چند از عاشقان اهل بیت علیهم السلام هرچند وقت یک بار، برای سلامتی و رفع موانع ظهور آن بزرگوار، گوسفندی قربانی نموده و گوشت آن را میان عاشقان حضرت و نیازمندان تقسیم کنید.

۱۱ - برنامه‌ی تلاوت قرآن کریم و اهدای ثواب آن برای جهت تعجیل در امر فرج را با دوستان، اقوام و آشنایان خود مطرح کنید. اگر هر یک از علاقه‌مندان به حضرت صاحب الزمان علیه السلام خود را ملزم بدانند که هر روز یک جزء یا یک حزب یا صفحاتی از قرآن کریم را تلاوت نماید، می‌توانید با یک برنامه‌ریزی ساده، هر روز ثواب یک ختم قرآن را برای سلامتی و تعجیل فرج آقا هدیه کنید.

۱۲ - حدّ اقل کاری که روزانه می‌توانید انجام دهید خواندن سه بار سوره‌ی توحید (قل هو الله احد...) و اهدای آن برای تعجیل فرج حضرت است. این کار بیست ثانیه بیشتر طول نمی‌کشد. در عوض، شما ثواب یک ختم قرآن را برای تعجیل فرج اهدا کرده‌اید. هر روز ده‌ها بار می‌توانید این عمل را انجام دهید. یک بار خواندن این صلوات شریف نیز، ثواب ده‌هزار صلوات را دارد. هر بار که آن را بخوانید، ثواب ده‌هزار صلوات را برای ظهور هدیه کرده‌اید:

«اللهم صلّ علی سیدنا و نبیّنا محمّد و آله ما اختلف الملوان،  
وتعاقب العصران، وکرّ الجدیدان، واستقبل الفرقدان، وبلغ



روحه وأرواح أهل بيته مني التَّحِيَّة والسَّلَام.»<sup>۱</sup>

۱۳- اتاق‌ها و در و دیوار منزل و نیز محلّ کسب و کار خویش را با نام حضرت، تصاویر، نوشته‌ها، نمادها، پوسترها و مطالب مربوط به ایشان آذین کنید. هر بار که به یکی از این‌ها نگاه کنید به یاد مولای خویش خواهید افتاد.

۱۴- یکی از میان‌بُرتَرین و مجرَّب‌ترین راه‌ها برای تقرّب به آستان مقدّس حضرت ولیّ عصر علیه السلام، اقامه‌ی مجلس عزا برای مادر مظلومه‌اش حضرت زهرا علیها السلام و جدّ غریبش حضرت سیدالشّهداء علیه السلام و توسّل و عرض ادب به اجداد طاهرین آن حضرت می‌باشد. آقا را به مجالس خویش دعوت کنید. از نثار صلوات و نیکی در حقّ مادر بزرگوارش حضرت نرجس خاتون علیها السلام غافل نشوید. از این بانوی عظیم‌الشّان بخواهید سفارش شما را به فرزند پرومندش حضرت مهدی علیه السلام بنماید.

۱۵- محبّین امام عصر علیه السلام آثار ایشان را نیز دوست دارند. هر مکانی منتسب به امام است (مثل مسجد جمکران)، هر کس بوی امام می‌دهد، هر تصویر یا اثر هنری یا کتاب و... که منسوب به امام علیه السلام است را دوست بدارید و احترام کنید. حتّی به کسانی که نامشان مهدی، صالح، حجّت و... است بیشتر احترام بگذارید.

۱۶- همه‌ی شیعیان، فرزندان معنوی امام و ایّتام آل محمّد علیهم السلام می‌باشند. تا آن‌جا که می‌توانید به آن‌ها نیکی و از آن‌ها گره‌گشایی کنید. به آن‌ها گوشزد کنید که چون محبّ امام عصر علیه السلام هستند عزیز و درخور احترام و خدمت می‌باشند. به نام امام، دیگران را اطعام کنید. به نام امام، به دیگران انفاق و احسان کنید...

۱. شرح صلوات اردکانی: ۱۷۷.



۱۷ - اگر خود قادر به تألیف کتاب نیستید و یا سرمایه‌ای قابل توجه برای هزینه کردن در راه امام ندارید، حداقل با زبان خویش مبلغ امام و راهنمای شیعیانش باشید. در هر مجلس و محفل نام و یاد ایشان را فراموش نکنید. از مهربانی‌ها، الطاف و عنایات امام به شیعیان سخن بگویید. تبلیغات منفی راجع به شمشیر امام را خنثی کنید. کتاب‌های خوب، مفید و آموزنده‌ای که راجع به امام عصر علیه السلام تألیف و منتشر شده است را به دیگران معرفی کنید.

۱۸ - نصرت مالی امام زمان علیه السلام از وظایفی است که تقریباً به فراموشی سپرده شده است. اگر یقین داریم که هر نعمتی به ما می‌رسد از ناحیه‌ی آن امام و به واسطه‌ی آن گرامی است، نباید در خرج کردن برای آن حضرت اندک تردیدی به خرج دهیم! متأسفانه هزینه نمودن در راه حضرت بقیة الله علیه السلام در جامعه‌ی شیعه به صورت فرهنگ درنیامده است. همان‌گونه که در ایام محرم، فاطمیّه، ماه رمضان، اعیاد و مناسبت‌های مذهبی دیگر با شوق و ذوق هزینه می‌کنیم، باید در همیشه‌ی ایام سال برای تبلیغ راجع به امام عصر علیه السلام، زنده نگه داشتن نام و یاد ایشان و متوجه ساختن مردم به وجود مقدّسش تلاش و هزینه نماییم. ادّعای محبّت به امام عصر علیه السلام از سوی کسی که میلیاردها تومان ثروت دارد؛ اما حاضر نیست در راه آن حضرت مبلغی هزینه کند پذیرفته نیست. مگر نه این‌که از بهترین راه‌های اثبات محبّت واقعی به هرکس، بذل مال برای اوست؟ جالب است بدانید که قرآن کریم در بسیاری از آیات جهاد در وصف مؤمنان، جهاد مالی را مقدّم بر جهاد به نفس ذکر نموده است و این خود، نشان‌دهنده‌ی آن است که پول خرج کردن در راه خدا و ولیّ او کار هرکس نیست! و با توجه به این نکته که در اعمال خیر، کمّیت ملاک نبوده و کیفیت عمل و نیت، اصل و

مطرح است هر شیعه‌ای با هر مقدار تمکن و توان مالی می‌تواند در مسیر صله‌ی مالی با امام زمان خویش حرکت کند. در فروع کافی، روایت جالبی از امام صادق علیه السلام نقل شده است که آن حضرت فرمودند:

«یک درهم خرج کردن در راه حج، از یک میلیون درهم در غیر آن بهتر است و یک درهم که به امام برسد مانند خرج کردن یک میلیون درهم در حج است.»<sup>۱</sup>

با یک حساب سرانگشتی می‌توان گفت «یک ریال» خرج کردن در راه امام عصر علیه السلام معادل «هزار میلیارد ریال» در سایر کارهای خیر است.

۱۹ - «برائت» جایگاهی رفیع و کلیدی در تفکر اصیل شیعی دارد، تا آن‌جا که ادعای محبت به خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام بدون ابراز بغض، کینه، نفرت و برائت از دشمنان آن‌ها عملاً غیر ممکن است. از جمله اذکار بسیار عالی که اثرات و برکات آن کم‌نظیر و یا بی‌نظیر است و می‌تواند در مسیر تقرب به خدای تعالی و اهل بیت علیهم السلام مورد توجه عاشقان و مشتاقان حضرت بقیة الله علیه السلام قرار گیرد، لعن و نفرین بر دشمنان اهل بیت علیهم السلام و ظالمین به آن‌ها و غاصبین حقوق آن‌ها به صورت آشکارا و پنهان و به طور فردی و اجتماعی می‌باشد. مثل «اللهم العن الجبت و الطاغوت»، «اللهم العن قتلة الزهراء علیها السلام»، «اللهم العن قتلة الحسين علیه السلام» و لعن‌های زیارت عاشورا هم‌چون «اللهم العن اول ظالم ظلم حق محمد و آل محمد...»، «اللهم خص أنت اول ظالم باللعن مني وابدأ به اولاً ثم الثاني والثالث والرابع...» و... به زبان فارسی نیز می‌توانید دشمنان امام زمان علیه السلام و دشمنان اهل بیت علیهم السلام و غاصبین حقشان را لعن کنید.

۲۰ - برگزاری مجالس دعا و توسل مخصوص تعجیل در فرج و نیز

تشکیل محافل و مجالس اُنس با شیعیان که در آن کلام و روایات معصومین علیهم السلام خوانده شود نیز مورد عنایات اهل بیت علیهم السلام است. همچنان که امام صادق علیه السلام به فضیل فرمود: «تجلسون و تحدثون؟»؛ «آیا دور هم می‌نشینید و احادیث ما را می‌خوانید؟» و او نیز پاسخ داد بلی. و سپس حضرت فرمود:

«من این‌گونه مجالس را دوست می‌دارم. پس امر ما را احیا کنید. ای فضیل خدا رحمت کند آن کسی را که امر ما را احیا کند...»<sup>۱</sup>

۲۱- می‌توانید هر روز دو رکعت نماز برای سلامتی و تعجیل در فرج آن امام رئوف هدیه کنید. یادتان باشد که نماز امام زمان علیه السلام فقط مختص مسجد مقدس جمکران نیست؛ بلکه در هر زمان و مکانی، می‌توان آن را به جای آورد. (با تفاوت مختصری در آداب پس از نماز که در مفاتیح الجنان در اعمال روز جمعه ذکر شده است.)

۲۲- روزی صد مرتبه ذکر شریف «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» در رفع همّ و غم مؤثر است. به نیابت از امام عصر علیه السلام و جهت رفع هموم ایشان، این ذکر را بگویید.

### احساس اضطرار نمی‌کنیم

از دیگر دلایلی که ما برای فرج دعا نمی‌کنیم آن است که احساس اضطرار نمی‌کنیم. یقیناً هر انسانی در طول عمر خویش حداقل یک بار اضطرار را تجربه کرده است. اگر برای یکی از عزیزان ما حادثه‌ی ناگواری روی دهد و پزشکان از معالجه‌ی او ناامید شوند و بگویند دیگر از دست ما کاری ساخته نیست؛ بروید دعا کنید! چه حالتی پیدا می‌کنیم؟

اگر خدای ناکرده فرزند خردسال ما، پیش چشم ما در حال غرق شدن باشد چگونه خدا را خواهیم خواند؟ چگونه با داد و فریاد از دیگران برای نجاتش کمک خواهیم خواست؟ اگر سرنشین هواپیمایی باشیم و هنگام فرود، چرخ‌های هواپیما باز نشود چه حالی پیدا می‌کنیم؟ حتماً شما نیز پشت درِ اطاق‌های عمل، در بیمارستان‌ها دیده‌اید که برخی تسبیح در دست داشته ذکر می‌گویند و دیگری به خواندن زیارت عاشورا مشغول است و... این حالات مثال‌های عینی اضطرار است؛ یعنی قطع امید از همه کس و همه چیز و توجه کامل به خداوند یا ولیّ او.

در تمامی مثال‌های فوق حیات مادی و جسمی به خطر افتاده است. به راستی اگر برای از دست دادن حیات معنوی و دیانت خویش نیز این چنین نگران می‌شدیم، وضع ما و جامعه‌ی ما غیر از آن چیزی نبود که الآن هست؟ به راستی چرا در دوران غیبت، خواندن دعای غریق<sup>۱</sup> را توصیه کرده‌اند؟ کسی که در میان امواج سهمگین دریا گرفتار شده است و خود را در یک قدمی مرگ می‌بیند چگونه خداوند را می‌خواند و از او یاری می‌طلبد؟ هر کجا که چنین حالتی برای فرد یا جمعی پیش آمده است، فرج و گشایش برای آن‌ها حاصل شده است.

در زمان حضرت یونس علیه السلام چون قوم او آثار عذاب الاهی را دیدند و به اشتباه خویش پی بردند، نزد یکی از عالمان صالح قوم خویش آمدند و گفتند: اکنون چه کاری از دست ما ساخته است؟ گفت: همگی جمع شوید و به بیابان و کوه‌ها و درّه‌ها بروید. بچه‌ها را از مادرهایشان جدا کنید. حتی

۱. امام صادق علیه السلام فرمودند: «به زودی شبیه و امر مشتبهی به شما می‌رسد؛ پس بدون نشانه‌ای که دیده شود و بدون امام هدایت کننده‌ای می‌مانید و از آن نجات نمی‌یابد مگر کسی که دعای غریق را بخواند.» راوی می‌پرسد: دعای غریق چگونه است؟ امام فرمودند: «می‌گویی: یا الله یا رحمن یا رحیم یا مقلب القلوب ثبت قلبی علی دینک.» کمال الدین: ۳۵۱، ح ۴۹.

این کار را با حیوانات هم انجام دهید؛ بعد گریه و زاری نمایید و از خداوند مهربان طلب آمرزش کنید. خداوند تبارک و تعالی بر آنها رحم فرمود و عذاب را از آنان برداشت. بله! ما مضطرّ نشده‌ایم. البتّه نه این که مضطرّ نباشیم بلکه این اضطرار را حس نمی‌کنیم.

فردی را در نظر بگیرید که سرطان، تمام وجودش را فرا گرفته است؛ ولی از بیماری خویش اطلاع ندارد. اطرافیان که از وخامت حال او باخبرند نگران او هستند؛ اما بیمار، خود هیچ نگرانی و دغدغه‌ای ندارد. به محض این که در جریان بیماری خویش قرار گیرد به اضطرار و اضطراب می‌افتد و به دنبال درمان می‌رود.

«دردشناسی» نخستین گام در احساس اضطرار است. اول باید بفهمیم که چه بلایی بر سرمان آمده است و چه خطراتی در کمین ماست. باید در این معانی دقت کنیم که چرا روایات معصومین علیهم‌السلام دین نگه داشتن در این عصر و زمانه را از نگه داشتن آتش در کف دست سخت‌تر توصیف کرده‌اند. به راستی چرا ما در دوران غیبت احساس بیچارگی نمی‌کنیم؟ در حالی که در دعای عهد می‌خوانیم:

«وارحم استکانتنا بعده.»

«(خدایا) به بیچارگی ما بعد از او رحم کن.»

دومین مطلب، پی بردن به شدت بیماری است. اگر فردی بیمار شود، ولی مطمئن باشد که پزشکان از عهده‌ی درمان او بر می‌آیند چندان مضطرّ نمی‌شود. اما اگر بداند که از دست هیچ کس کاری ساخته نیست آن وقت است که مضطرّ خواهد شد. باید یقین کنیم که تنها راه نجات، حضرت ولی عصر علیه‌السلام است.

سومین عاملی که حالت اضطرار را در انسان ایجاد می‌کند ارزش و

اهمیت مطلب است. در بیابان، گرمای طاقت فرسا و در اوج تشنگی است که اضطرار به آب، به خوبی معنا پیدا می‌کند و گر نه در کنار نهر آب، اضطراری در کار نخواهد بود. به راستی اگر از آب‌نماهای دوران غیبت پرده برداشته شود و دیدگان ما به حقایق روشن گردد، آن‌گاه متوجه خواهیم شد که «ماء معین» یا آب خوش‌گوار فقط وجود مقدس آن حضرت است و آیا در این صورت، با تمام وجود و از صمیم قلب، امام را طلب نخواهیم کرد؟

درست است که امروزه نارضایتی از وضع موجود جهان «زبان حال» بسیاری از انسان‌هاست؛ اما این زبان حال باید به «زبان قال» در آمده، در قالب دعا به درگاه خداوند عرضه شود و در مسیر دعا برای ظهور منجی عالم بشریت جهت‌دهی و هدایت گردد. درست همان‌گونه که اگر انسانی تنها و تنها احساس تشنگی کند، ولی دست روی دست بگذارد و هیچ حرکتی برای جست‌وجوی آب نکند از تشنگی تلف خواهد شد و نیز اگر احساس تشنگی نماید و برای فرو نشانیدن عطش خویش، حرکت کند؛ اما به جای نوشیدن آب گوارا و سالم، به خوردن سنگ، چوب، آهن و یا آب آلوده‌ی به ظاهر سالم، روی آورد باز با دست خویش، خویشتن را به هلاکت انداخته است؛ جامعه‌ی بشری باید از تجربه‌های بسیار تلخ گذشته عبرت بگیرد و سرنوشت خود را به دست مدعیان برقراری عدالت در جهان نسپارد و با تمام وجود، ظهور منجی موعود را از خداوند متعال درخواست نماید.

در دوران غیبت کبری، هر کجا حالت اضطرار واقعی به فرد یا گروهی دست داده است گشایش برای آنان حاصل گردیده است. یکی از این موارد، تشرّف آقای نمازی با همراهانشان به محضر امام عصر علیه السلام در سال

۱۳۳۶ هجری شمسی است؛ به هنگامی که در جریان سفر حج، ماشین حامل آن‌ها از دیگر ماشین‌ها عقب می‌افتد و با پیمودن راه اشتباه در بیابان‌های عربستان، سرگردان می‌شوند و اما بقیّه‌ی داستان تشرّف:

«...همه‌ی ما وحشت زده و ناامید شده بودیم. من که اطلاعات بیشتری داشتم به زائرین گفتم: بالاخره این آقای اصغراقا (راننده) ما را به این‌جا کشاند و گناه بزرگی انجام داد. حال ما باید جمع شویم و به آقا امام زمان علیه السلام متوسّل شویم. اگر آن بزرگوار ما را از این مهلکه نجات دهد، زهی سعادت؛ ولی اگر او به فریاد ما نرسد همه در این بیابان می‌میریم و طعمه‌ی حیوانات خواهیم شد. بنابراین باید هم اکنون قبل از این‌که بی‌حال شویم هریک از ما قبر خود را بکنیم، گودالی حفر کنیم، تا وقتی که بی‌حال شدیم و دست و پایمان از رمق افتاد به درون آن گودال برویم و در آن جان بدهیم تا به مرور زمان باد بوزد و شن‌ها را روی ما بریزد و مدفون شویم. همه‌ی افراد پذیرفتند و هریک قبری برای خود حفر کردیم. سپس هریک جلوی قبر خود نشستیم و من که روحانی (کاروان) و راهنمایشان بودم به آن‌ها گفتم: باید به چهارده معصوم علیهم السلام متوسّل شویم و بعد خودم شروع به خواندن توسّل کردم. ابتدا به رسول خدا صلی الله علیه و آله و بعد به حضرت فاطمه‌ی زهرا علیها السلام و سپس به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و آن‌گاه به امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام و بقیّه‌ی ائمه علیهم السلام متوسّل شدیم. وقتی توسّل به امام زمان علیه السلام پیدا کردیم روضه‌ای خواندم و همگی گریه‌ی زیادی کردیم. سپس ملهم شدم که همه با هم حضرت را با این ذکر صدا کنیم:

«یا فارس الحجاز، یا ابصالح المهدی ادرکنا، یا صاحب

الزمان ادرکنا.»

با حال گریه، همه‌ی ما این ذکر را می‌گفتیم. سپس به زائران گفتم: با



خود فکر کنید که هر یک از شما در مدت عمرش چه کار نیکی را خالصانه برای خدا انجام داده‌اید؛ خدا را به همان کار قسم دهید که ما را نجات دهد. هر کسی فکری کرد و با خدای خود چیزی گفت. من هم چیزهایی به درگاه خدا عرض کردم. دوباره به آن‌ها گفتم: با خدا قرار بگذارید که اگر ما را نجات دهد تمام اموالی را که همراه داریم در راه خدا انفاق کنیم و در بقیه‌ی عمرمان اگر حاجت‌مندی به ما مراجعه کرد و برآوردن مطلب او از دست‌مان ساخته بود، حاجت او را انجام دهیم و مابقی عمرمان را در قضای حوائج مردم و کارهای خیر و اطاعت و بندگی خدا سعی و کوشا باشیم. همه با خدا تعهد کردند که چنین کنند...

بعد از این سخنان، همه مشغول ذکر و راز و نیاز شدند. من هم حرکت کردم و از جمع آن‌ها جدا شدم و پشت تپه‌ی کوچکی رفتم تا کسی مرا نبیند و تنها با خدای خودم صحبت کردم. کلماتی با خدا گفتم. صحبت‌هایی کردم که اکنون واقعاً از بازگو کردن آن شرم دارم! به خدا می‌گفتم: خدایا! اگر چه مرگ در این جا سعادت و توفیق باشد، اما ما نمی‌خواهیم در این جا به این کیفیت بمیریم. ما باید به وطن‌مان برگردیم و نزد اهل و عیال‌مان با عزت بمیریم؛ دوست نداریم این جا از دنیا برویم.

با امام زمان علیه السلام نیز همین‌گونه صحبت می‌کردم. می‌گفتم آقا جان اگر این جا به فریادمان نرسی پس می‌خواهی کجا به فریادمان برسی؟ در این اضطرار و بیچارگی که همه تشنه هستیم و از عطش داریم تلف می‌شویم، اگر در این بیچارگی به فریادمان نرسی پس می‌خواهی کی به فریادمان برسی؟!

این عرایض را به محضر امام زمان علیه السلام می‌گفتم و اشک می‌ریختم. حال گریه و توسل عجیبی داشتم. من که از هر مخلوقی قطع و به خالق وصل

شده بودم، آن حالت انقطاع و توسل و توجه هرگز پس از آن روز برای من پیدا نشده است.

در حال توسل و گریه و ناله بودم که ناگهان دیدم یک آقای در شکل و شمایل یک مرد عرب ظاهر شد. در جلوی من بیابان صافی بود که اگر تخم مرغی را در پنجاه قدمی روی زمین می گذاشتی، از همان جا دیده می شد؛ اما من آمدن او را ندیدم و مثل «خلق الساعة» همراه با هفت شتر آنجا در مقابل من ظاهر شد. هر هفت شتر هم دارای بار بودند. من خیال کردم که او از عرب های حجاز است و شتربانی است که دارد همراه شترها از بیابان به مسافرت می رود. گمان می کردم که رهگذر است و تصادفاً از این محل عبور می کند... در همین حال بشاشت و خوشحالی بودم که دیدم آن عرب به طرف من آمد.

من هم از جا برخاستم و با خوشحالی به طرف او رفتم. دیگر هیچ حالت اندوه و گریه و تضرعی در من نبود. وقتی به من نزدیک شد سلام کردم: «سلام علیکم.» او فرمود: «علیکم السلام و رحمة الله وبرکاته.» بعد به هم رسیدیم و روبوسی کردیم. من صورت او را بوسیدم. قیافه ی او در نهایت جذابیت بود. چشم و ابرو و صورت و... جمال او بسیار قشنگ و نورانی بود.

پس از انجام سلام و روبوسی، ایشان فرمود: راه را گم کرده اید؟ گفتم بله. فرمود: من آمده ام که راه را به شما نشان دهم! گفتم خیلی ممنون! بفرمایید. فرمود: از این راه مستقیم می روید و از آن دو کوه می گذرید... حضرت پس از آن که راه را نشان دادند فرمودند آن نذری که کرده اید صحیح نیست. عرض کردم چرا مولای من؟

فرمودند: نذر شما مرجوح است. اگر شما هر چه را همراه دارید در راه

خدا انفاق کنید چگونه به عراق می‌روید؟ در حالی که شما چهل روز در عراق هستید و به زیارت امام حسین علیه السلام و حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و سایر ائمه علیهم السلام مشرف می‌شوید اگر آن چه را همراه دارید در راه خدا انفاق کنید خودتان بدون خرجی می‌مانید مجبور می‌شوید گدایی و تکدی کنید و تکدی حرام است... شما اکنون آن چه را همراه دارید قیمت کنید و بنویسید و وقتی به وطنتان رسیدید به همان مقدار در راه خدا انفاق کنید؛ ولی الآن عمل کردن به آن نذر مرجوح است. سپس فرمودند: «رفقاییت را صدا کن و سوار شوید. الآن که راه بیافتید اول مغرب در جریه<sup>۱</sup> هستید.»

تا این هنگام رفقای من در حال توسل و گریه بودند و ما را نمی‌دیدند. ما رفقا را می‌دیدیم؛ اما آن‌ها ما را نمی‌دیدند وقتی آقا فرمودند: «رفقاییت را صدا کن» و من آن‌ها را صدا زدم، آن‌ها ما را دیدند و همه از جا برخاستند و به سوی ما آمدند. یکی یکی سلام کردند و دست آقا را بوسیدند...»<sup>۲</sup>

### از برکات ظهور، بی‌خبریم

ظهور امام عصر علیه السلام برکات مادی و معنوی بسیاری را به همراه خواهد داشت و اگر شیعیان و مردم جهان، به این برکات واقف شوند ذوق و اشتیاق آنان به دعا برای ظهور منجی عالم بشریت، افزایش خواهد یافت. بزرگ‌ترین دستاورد ظهور برای مؤمنان و شیعیان راستین، همانا برقراری دولت کریمه‌ی اهل بیت علیهم السلام در سراسر عالم، حضور در محضر ولی الله الاعظم علیه السلام، رؤیت جمال دلربای یوسف زهرا علیها السلام، شنیدن کلام جان‌بخش او، اطاعت از فرامین او، ظهور عزت آل الله و شیعیانشان و نیز مشاهده‌ی

۱. مرز عراق و حجاز.

۲. مجالس حضرت مهدی علیه السلام: ۳۱۰-۳۱۳.

ذلت و خواری منافقین خواهد بود. دستاوردهای دنیوی ظهور و گشایش در امور مادی و دنیوی انسان‌ها نیز غیر قابل تصور است.

هم‌اینک جهان، بیش از شش و نیم میلیارد نفر جمعیت دارد و اگر دوران غیبت امام را نیز لحاظ کنیم در طول این دوازده قرن که از آغاز غیبت می‌گذرد، ده‌ها میلیارد انسان به دنیا آمده و پس از چند صباحی زندگی در این کره‌ی خاکی از دنیا رفته‌اند. در میان آنان دانشمندان رشته‌های مختلف علمی، نوابغ، مخترعین، مکتشفین، رهبران سیاسی، نظریه پردازان اجتماعی و اقتصادی و مکاتب مختلف... همه و همه آمده و رفته‌اند. اما هنوز که هنوز است هزار درد بی‌درمان، پیکره‌ی بشریت را آزار می‌دهد.

هنوز در آستانه‌ی قرن بیست و یکم، قریب به یک میلیارد گرسنه در جهان وجود دارد. هنوز برای برخی بیماری‌ها همانند ایدز، دارو و درمان کشف نشده است. هر لحظه امکان شعله‌ور شدن آتش جنگ‌های منطقه‌ای و جهانی آن هم با سلاح‌های مرگ‌بار هسته‌ای وجود دارد.

آری، ده‌ها میلیارد نفر آمدند. برخی از آن‌ها گفتند، نوشتند، نظر دادند و برای بشر نسخه پیچیدند؛ ولی نتوانستند حتی یک مشکل از مشکلات بشر را به طور کامل حل و فصل نمایند. اما یک نفر خواهد آمد و یک تنه همه‌ی مشکلات مادی و معنوی بشر را حل خواهد کرد. زمین دیگر باره احیا خواهد شد. حتی حیوان گرسنه‌ای و گیاه تشنه‌ای یافت نخواهد شد. گنج‌های زمین استخراج، خرابه‌ها آباد، بردگان آزاد و زندان‌ها ویران خواهد شد.

اگر هم‌اکنون درندگی، استثمار، حرص، طمع، خودپسندی و زیاده‌خواهی اساس رابطه‌ی مردم و نیز میان دولت‌ها در اکثر نقاط جهان است؛ با ظهور آن بهار آفرین روزگار و استقرار دولت کریمه‌اش، همگان با

یکدیگر مهربان و صمیمی شده و از خدمت به هم لذت خواهند برد. زندگی صلواتی می شود. زمین برکاتش را ظاهر می کند. آسمان از بارش رحمت الهی دریغ نمی ورزد. مردم به دنبال فقیری برای صدقه دادن می گردند؛ اما نیازمندی را نمی یابند. دیگر هیچ کس علیه دیگری نقشه نخواهد کشید. دیگر کسی، دیگری را نخواهد درید. بده کاری باقی نخواهد ماند. فقیری یافت نخواهد شد. عدالت هم چون سرما و گرما به خانه های مردم راه خواهد یافت.

حضرت مهدی عج با کارگزاران خویش بسیار سختگیر و با مردم و مستمندان مهربان خواهد بود. حتی در عبادت هم به عدالت رفتار خواهد شد. در ایام حج، سخن گویان امام عج اعلام می کنند: هر کس طواف واجب خویش را به انجام رسانید مطاف را برای دیگران خالی کند و برای انجام طواف مستحبی مزاحم دیگران و مانع از حق آنها نشود. مساجدی که بر سر راه مردم قرار دارد خراب می گردد. پنجره هایی که به زندگی و خانه های دیگران اشراف دارد بسته خواهد شد.

راه های آسمان به روی بشر گشوده خواهد شد. سفر به کرات آسمانی امکان پذیر می شود. عمرها آن قدر طولانی می گردد که گاه یک انسان، قرن ها در دنیا زندگی خواهد کرد. نیروهای ناشناخته ی روحی انسان به کار می افتد.

امام عصر عج دست یداللهی خویش را بر سر بندگان خدا می گذارد و عقل ها به گونه ای کامل می شود که زنان پرده نشین، از رجوع به فقیه بی نیاز می گردند و در فهم و درک و احاطه به احکام دین آن چنان تبخّر می یابند که همه چیز را به خوبی درک می کنند.

با ظهور امام عج گناهان ظاهر و باطن توسط امام از بین می رود و خیر به

معنای مطلق آن که اهل بیت علیهم السلام و شعبه‌های خیر که توحید، نماز، روزه، احسان، فروبردن خشم، بخشش خطاکار و ... است آشکار می‌شود و در سایه‌ی محبت، صفا، ایمان، یقین، تقوا، خشوع و مهربانی زندگی آن‌قدر شیرین می‌شود که زندگان آرزو می‌کنند ای کاش مردگان آن‌ها زنده بودند و دولت کریمه‌ی آخرین وصی حضرت خاتم الانبیا صلی الله علیه و آله را درک می‌کردند.

### نمی‌دانیم که از مهم‌ترین شرط‌های ظهور، خواست مردم است

از دیگر عواملی که ما را به دعا برای تعجیل فرج بی‌توجه ساخته است، عدم اطلاع از علل غیبت امام علیه السلام و نقش مردمان در طول کشیدن غیبت تا به این لحظه است. در کلام پیشوایان معصوم علیهم السلام برای غیبت امام عجل و عوامل متعددی ذکر شده است:

- ۱- از بین نرفتن امانت‌های الهی به این معنا که خداوند مهلت داده است مؤمنانی که در صلب کافران هستند به دنیا بیایند.
  - ۲- امتحان و آزمایش مردم.
  - ۳- اجرای برنامه‌های مشابه آن چه در مورد برخی انبیای گذشته رخ داده است.
  - ۴- جلوگیری از کشته شدن آن حضرت.
  - ۵- نافرمانی و معصیت مردم.
  - ۶- تربیت شیعیان اهل بیت علیهم السلام.
  - ۷- نبودن بیعت کسی بر گردن آن حضرت.
  - ۸- عللی که بعد از ظهور معلوم می‌شوند.
- در روایات معصومین علیهم السلام به نقش مردم در شکل‌گیری غیبت تأکید

فراوان شده است. چنان که امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام فرموده‌اند:

«... بدانید زمین هیچ‌گاه از حجت الاهی خالی نخواهد ماند؛ ولی به زودی خدا مردم را به خاطر ظلم، ستم و اسراف‌ی که بر خود روا می‌دارند نسبت به آن حجت، کور و نابینا می‌گرداند...»<sup>۱</sup>

و امام محمد باقر علیه السلام فرموده‌اند:

«اگر خدای تعالی بر مردمی غضب کند، ما را از بین آن‌ها بیرون می‌برد.»<sup>۲</sup>

و مرحوم علامه‌ی مجلسی رحمته الله در ذیل این روایت می‌گوید: حدیث فوق دلالت می‌کند که غیبت امام غضب الاهی برای اکثر مردم است.

و نیز فرمایش امام صادق علیه السلام که به نقل از پدر گرامی خویش فرموده‌اند:

«وقتی (حضرت) مهدی علیه السلام ظهور می‌کند خطاب به مردم اعلام می‌کند: من وقتی از شما ترسیدم از دستتان فرار کردم و آن‌گاه خدا مرا به سوی شما فرستاد...»<sup>۳</sup>

و پیام‌های مکرر قطب عالم امکان که خطاب به شیعیان فرموده‌اند:

«... برای تعجیل در فرج بسیار دعا کنید که گشایش امور شما نیز در آن است...»<sup>۴</sup>

شیخ صدوق رحمته الله می‌گوید: غیبت حضرت آدم علیه السلام را خدا ایجاد کرد و غیبت امام زمان ما را دشمنان خدا ایجاد کرده‌اند.<sup>۵</sup>

۱. بحار الانوار ۵۱: ۱۱۳.

۲. مرآة العقول ۴: ۶۱.

۳. کمال الدین ۲: ۳۲۸ ح ۱۰. استشهاد امام علیه السلام به آیه‌ی ۲۱ از سوره‌ی مبارکه‌ی شعرا یعنی همان

آیه‌ای که حضرت موسی علیه السلام پس از بازگشت به میان قوم خویش بیان کرد.

۴. ر.ک: ص ۱۳.

۵. کمال الدین ۱: ۱۲.

و در جای دیگر می‌گوید:

غیبت صاحب زمان ما را طاغوت‌ها ایجاد کرده‌اند.<sup>۱</sup>

شیخ طوسی رحمته الله می‌گوید:

از چیزهایی که یقیناً سبب غیبت امام عجل الله فرجه است ترس ایشان بر جان خویش است و این را از تهدیدهای ظالمان و جلوگیری آن‌ها از دخالت در اداره‌ی امور می‌توان فهمید. پس اگر بین امام و اهدافشان فاصله بیندازند در این جا، وجوب قیام به امر امامت از ایشان ساقط می‌شود و وقتی هم که بر جان خویش بترسند لازم است مخفی شوند...<sup>۲</sup>

هیچ چیزی مانع از ظهور حضرت نیست مگر آن‌که بر جان خویش می‌ترسند و إلاً اگر غیر از این باشد که نمی‌شد حضرت مخفی شود چون یقیناً ایشان در آن صورت آزارها و اذیت‌ها را تحمل می‌کردند...<sup>۳</sup>  
مطالب فوق را علامه‌ی مجلسی رحمته الله نیز از ایشان نقل کرده‌اند.<sup>۴</sup>

سید مرتضی می‌گوید:

اما سبب غیبت، تهدیدهای ظالمان نسبت به آن حضرت است و این‌که نمی‌گذارند ایشان در کارهایی از قبیل خلافت و حکومت که مربوط به خودشان است دخالتی کنند. چون زمانی مردم از امام فایده می‌برند که اطاعتش کنند و بگذارند اهداف خود را اجرا کند.<sup>۵</sup>

البته تأکید بر خواست مردم به عنوان یکی از اصلی‌ترین شرط‌های ظهور، هرگز بدان معنا نیست که اگر تا ابد هم مردم امام را نخواستند امر

۱. همان: ۲۶.

۲. غیبت شیخ طوسی: ۹۰.

۳. همان: ۳۲۹.

۴. بحارالانوار ۵: ۱۹۰.

۵. المقنع فی الغیبه: ۵۲.



ظهور محقق نشود؛ بلکه به این معنی است که ظهور امام دارای دو وقت است، یکی از آن دو، وقت حتمی و مقدر است که اگر آن لحظه فرا برسد (که هر لحظه ممکن است فرا برسد) چه مردم بخواهند چه نخواهند، حجت خداوند ظاهر خواهد شد و جهان را پر از عدل و داد و معنویت خواهد کرد و مگر در زمان بعثت حضرت خاتم الانبیا صلی الله علیه و آله ابوسفیان‌ها، ابوجهل‌ها و ابولهب‌ها موافق بعثت پیامبر بودند؟ اما اراده‌ی حق تعالی بر این امر تعلق گرفته بود و این کار صورت پذیرفت.

تا قبل از فرا رسیدن زمان قطعی ظهور، نیز خداوند بنا به حکمت و رحمت خویش راه را پیش روی ما سد نکرده است و اولیای او به ما همانده‌اند که اگر به اشتباه خویش پی بردید و قصد بازگشت و توبه داشته باشید راه بسته نیست. سنت الاهی در مورد اقوام و جوامع بشری همواره ساری و جاری است که:

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يَغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ﴾<sup>۱</sup>

«خداوند سرنوشت هیچ قومی را تغییر نخواهد داد مگر آن‌که خود چنین تغییری را در درونشان انجام دهند.»

و فرمایش امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام به مردمی که پس از گذشت ۲۵ سال از غصب حق آن حضرت، به سوی ایشان شتافته و خواهان قبول خلافت از جانب ایشان شدند که:

«اگر نبود حضور بیعت کنندگان و لزوم قیام حجت (امام هر عصر) در

صورت وجود یاوران، افسار شتر خلافت را بر دوشش می‌گذاشتم...»<sup>۲</sup>

و روایاتی که تأکید می‌کند اگر برای امام به عدد اهل بدر، یارانی جمع

۱. رعد (۱۳): ۱۱.

۲. نهج البلاغه، خطبه‌ی ۳.

شوند قیام و تغییر شرایط، بر امام واجب خواهد بود، همگی مؤید این حقیقت است چنان که امام صادق علیه السلام فرموده‌اند:

«هنگامی که عده‌ی تعیین شده (۳۱۳ نفر) تکمیل شود، آن چه دوست دارید انجام شود.»<sup>۱</sup>

### از غربت امام در غیبتش بی‌خبریم

برخی به غلط تصور می‌کنند که حضرت بقیة الله علیه السلام در دوران غیبت در مکانی خوش آب و هوا، زیر درختی پرمیوه و در کنار نهری خروشان! روزگار به خوشی و آسایش می‌گذرانند و غمی بر دل و دردی بر سینه ندارند و همانند ما دست روی دست گذاشته‌اند تا زمانی که خداوند اجازه‌ی ظهور به ایشان عطا فرماید (و البته شاید تا دو هزار سال دیگر هم حضرت نیایند!!!) واقعیت جز این است. حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام به اصبع بن نباته فرمودند:

«صاحب هذا الأمر الشرید الطرید الفرید الوحید.»<sup>۲</sup>

«(امام) عهده‌دار این امر (حضرت مهدی علیه السلام) همان رانده‌ی آواره‌ی بی‌کس تنهاست.»

غربت صاحب‌زمان افسانه نیست! روایات ما شباهت آن سرور با حضرت یوسف علیه السلام را «زندانی شدن» برشمرده‌اند. در دوران غیبت، گویا امام عصر علیه السلام در زندان گرفتار شده‌اند.

دوران غیبت، دوران غربت امام است. دوران مظلومیت، انزوا، تنهایی، دل‌شکستگی و گریه‌های طولانی اوست. دورانی است که آن حضرت باید

۱. روزگار رهایی: ۳۳۸.

۲. بحارالانوار ۵۱: ۱۲۰.

از شهرها فاصله بگیرد و در مکان‌های پنهان دور از ظالمان زندگی کند. صاحب زمان و مالک زمین است، اما باید به طور ناشناس در میان مردم رفت و آمد کند. نظاره‌گر غصب حق خویش است، شاهد رنج‌ها و مصائب پیروان خویش است، خون اجداد طاهرینش بر زمین مانده است.

آری؛ دوران غیبت دوران صبر و انتظار امام است. دورانی است که خار در چشم و استخوان در گلو مأمور به سکوت و خانه نشینی است؛ زیرا حکومتی که حق امام است در اکثر نقاط جهان در چنگ دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام است، حتی عتبات عالیات و سامرا که محل تولد و زندگی و خانه‌ی ملکی امام است در اشغال غاصبان و دشمنان است.

ما که حتی به اندازه‌ی سرسوزنی از اخبار پیدا و پنهان جهان اطلاع نداریم و عطوفت و مهربانی و رقت قلبمان نیز با رحمت امام که «رحمة للعالمین» است قابل مقایسه نیست، با دیدن و شنیدن اخبار گوشه و کنار جهان و ظلم و ستم و جنایت گردن‌کشان و قدرت‌های حاکم جهان و استغاثه‌ی مظلومان و مستضعفان و بی‌گناهان، از خود بی‌خود می‌شویم و غم تمام وجودمان را فرا می‌گیرد پس حال امام چگونه است؟ در حالی که بر تمام حوادث عالم اشراف کامل دارد، صدای همه را می‌شنود و اشک مظلومان را می‌بیند؛ اما دستانش بسته است.

تأسف‌بارتر آن‌که شیعیانش، او را فراموش کرده‌اند. «هل من معین» اش را پاسخ نمی‌گویند، برای فرجش دعا نمی‌کنند و بسیاری از آن‌ها سرگرم مال و منال و مقام و لذات زودگذر دنیا گردیده، به خواسته‌های امام خویش بی‌توجه هستند و چه بسا با گناهان خود قلبش را می‌آزارند و اشکش را جاری می‌کنند.

هزار و یک صد و هفتاد سال است که مهدی فاطمه علیها‌السلام شب‌ها را به



تهجد و عبادت تا به صبح بیدار است؛ به گونه‌ای که رخسار مبارکش به زردی گراییده است. دوازده قرن است که هر صبح و شام، طلوع و غروب خورشید را نظاره می‌کند. صدها سال است که بی‌صبرانه منتظر بیداری انسان‌ها به ویژه شیعیان و صدور فرمان الاهی ظهور است. تعجب این جاست که چرا بشر او را نمی‌خواهد؟ چرا شیعیانش آن‌گونه که باید یادش نمی‌کنند و برای ظهورش دعا نمی‌کنند؟

بشریت راضی شده است که به زندگی فلاکت‌بار توأم با درد، بیماری، جنگ، فقر، ظلم، تسلیحات کشتار جمعی، بمب‌های اتمی و... ادامه دهد، اما زیر بار ولایت امام معصوم نرود. چنگیزها، نرون‌ها، هیتلرها، دیکتاتورها، خون‌خواران تاریخ بر او مسلط شده‌اند؛ اما هیچ‌گاه با اختیار و انتخاب خویش منجی موعود انبیا که سراسر نور، خیر، رحمت، برکت و رشد و کمال است را طلب نکرده است.

به راستی شرط عقل چیست؟ انسانی را فرض کنید که در حال غرق شدن است و یا تماسح‌هایی خطرناک و وحشی در آب به او حمله ور شده‌اند. نجات غریق مهربانی بدون هیچ‌گونه چشم‌داشت، با به زحمت انداختن خویش قصد یاری و نجات او را دارد؛ اما آن فرد حاضر نشود دست خود را به طرف آن منجی مهربان دراز کند؛ با لجاجت و غرور و تکبر، خویش را به هلاکت می‌اندازد؛ اما به سوی آن یگانه منجی‌اش نمی‌رود.

هم‌اینک بشریت، آن انسان در حال غرق شدن است. تماسح‌ها، فتنه‌های آخرالزمان و گرگ‌های انسان‌نمایی هستند که امروزه در اکثر جهان حکومت می‌کنند و جز منافع استکباری خویش چیز دیگری نمی‌شناسند و آن نجات غریق مهربان و منجی دلسوز، حضرت صاحب‌الزمان عجل‌الله فرجه است

که دست نجات بخش خود را به سوی ما و مردم عالم دراز کرده است (در حالی که او هیچ نیازی به ما ندارد و فقط قصد نجات و سعادت ما را دارد) و ماییم که حتی حاضر نیستیم کمترین زحمتی به خود بدهیم و برای فرجش دعا کنیم. آیا وقت آن نرسیده است که از این خواب غفلت بیدار شویم و دیگران را نیز بیدار کنیم؟

### سرود غربت

به نام ربّ مهدی لب گشایم	سرود غربتش را می سرایم
سخن از غربت مهدی زهراست	سخن از بی وفایی من و ماست
غم مهدی غمی جان گاه باشد	از آن کم تر کسی آگاه باشد
کجا یوسف چنین زندان کشیده	کجا یعقوب این هجران کشیده
شکیبایی از او شرمنده گشته	ز غم جان و دلش آکنده گشته
زند ایوب زانو محضر او	بیاموزد صبوری در بر او
هزار و یک صد و هفتاد سال است	که می داند که مولا در چه حال است؟
فدای غربتش یاور ندارد	به این غربت کسی باور ندارد
از او مظلوم تر در این جهان کیست <sup>۱</sup>	ز گنه غربتش کس با خبر نیست
به غیبت سوز و اشک و آه دارد	چو جدّ خویش سر در چاه دارد
تو گویی خار در چشمش نشسته	دلش از غفلت شیعه شکسته
قسم بر صورت زهرا که نیلی ست	به رخساری که آزرده ز سیلی ست
در این غم اشک آل الله جاری ست	حدیث قرن ها چشم انتظاری ست
غریب و یگه و تنهاست مهدی	کجا شد شیعیان پس رسم مردی؟!

۱. آن حضرت، خود به مرحوم حاج سید اسماعیل شرفی فرمودند: «من مظلوم ترین فرد عالم هستم.» ترجمه صحیفه‌ی مهدیه: ۵۸.

به مهدی عرصه‌ی عالم چوتنگ است  
همه در عالم ذر عهد بستیم  
همه کردیم مهدی را فراموش  
به مهدی ظلم‌ها بسیار کردیم  
به سینه سوز هجرانش نداریم  
ولی اندوه ما بر او گران است  
بیا هجرت کنیم اینک به کویش  
زرنج غربتش یادی نماییم  
بیا زهرای اطهر شاد سازیم  
پس از عمری که دنبال سرابیم  
که مهدی چشمه‌ی آب حیات است  
مدار دهر قطب روزگار اوست  
به یمن اوست نازل گشته باران  
قرار آسمان‌ها و زمین است  
به جسم مرده‌ی عالم چو جان است  
حسین بن علی در این زمان اوست  
هر آن کس معرفت بر او ندارد  
خوش آن روزی که مولا باز گردد  
خدایا پرچمش را باز گردان  
به حق مادرش زهرای اطهر  
به شام و کوفه‌ی غم بار زینب  
دگر اصلاح کن امر فرج را  
غم مهدی مگر پایان ندارد؟

چنین غفلت برای شیعه ننگ است  
ولیکن عهد خود با او شکستیم  
رسد هل من معین همواره بر گوش  
به او رفتار چون اغیار کردیم  
خبر از اشک چشمانش نداریم  
دعا گوی تمام شیعیان است  
روییم «العفو» گویان رو به سویش  
امام خویش را یاری نماییم  
ز زندان یوسفش آزاد سازیم  
بیا چون «حَرّ» به درگاهش شتابیم  
سبیل الله کشتی نجات است  
در این دوران ولی کردگار اوست  
مطیع اوست خورشید درخشان  
چو احمد رحمة للعالمین است  
پدر بر جمله‌ی خلق جهان است  
ولی امر بر خلق جهان اوست  
به راه جاهلیت پا گذارد  
«انا المهدی» طنین انداز گردد  
به زهرا یوسفش را باز گردان  
به خون فرق اکبر حلق اصغر  
وداع آخر دلدار زینب  
عیان کن بر جهان ختم حجج را  
سحر آیا شب هجران ندارد؟



خداوندا ظهورش دیر گردید  
 مهیا کن تو اسباب ظهورش  
 خدایا دشمنانش خوار فرما  
 بیا ای مظهر عدل خدایی  
 بیا مولا جهان پر شد ز بیداد  
 به قربان تو و صبر عجیب  
 بیا غیر از تو ما منجی نداریم  
 پس از حیدر عدالت رخت بر بست  
 بیاور ذوالفقار حیدری را  
 بیا ما را سعادت مند گردان  
 همه عالم فدای تار مویت  
 امید فاطمه برگرد برگرد  
 بسا عاشق در این ره پیر گردید  
 منور کن تو گیتی را ز نورش  
 ذلیل و جمله بی مقدار فرما  
 که تا پایان پذیرد این جدایی  
 ز ظلم ظالمان فریاد فریاد  
 بخوان آن آخرین امن یجیب  
 اگر آیی دگر رنجی نداریم  
 بیا برگیر تیغش در کف دست  
 ز بن بر کن مرام حبتی<sup>۱</sup> را  
 رها از هر چه قید و بند گردان  
 نگاه عالمی باشد به سویت  
 به هستی قائمه برگرد برگرد

### ما را از شمشیر امام ترسانده‌اند

از میان جفاهایی که دوست و دشمن در طول تاریخ بر وجود مقدس امام عصر ارواحناده روا داشته‌اند کم‌تر موضوعی است که هم‌چون «شمشیر امام» توانسته باشد به صورت فراگیر بر اذهان عمومی تأثیر بگذارد. مبالغه در ترسیم قهر و غضب امام، پس از ظهور و گردن‌هایی که زده خواهد شد و جوی‌های خون که به راه خواهد افتاد، به گونه‌ای ذهنیت همگان را شکل داده است که حتی لرزه بر اندام دوستان اهل بیت علیهم‌السلام نیز انداخته است و چگونه می‌توان از کسی که گمان می‌کند اگر امام زمان علیه‌السلام بیاید گردن او را

۱. حبتی، کنایه از اسم اولین غاصب حق خلفای الهی است. صحیفه‌ی مهدیه: ۲۳، به نقل از

خواهد زد توقع داشت که برای ظهور امام دعا کند و تعجیل در فرجش را از خداوند تعالی درخواست نماید؟

بر همه‌ی ما فرض است که در راه زدودن این اتهام از چهره‌ی مهربان آن حضرت و اصلاح نگرش شیعیان گام برداریم که در این صورت یکی از موانع ظهور آن حضرت را از پیش پا برداشته‌ایم. البته نباید دچار تفریط شویم. از القاب مبارک آن حضرت «قائم بالسیف» است. شکی نیست که ایشان با شمشیر قیام خواهند کرد؛ اما این که چه کسانی طعمه‌ی شمشیر آن جناب خواهند شد و چه کسانی باید از شمشیر آن جناب بترسند و این که حربه‌ی شمشیر توسط آن حضرت با چه شرایطی و پس از طی چه مقدماتی به کار گرفته می‌شود سخت قابل تأمل است.

آن چه از روایات بر می‌آید آن است که اغلب جنگ‌ها و خون‌ریزی‌ها و کشتارها قبل از قیام امام علیه السلام رخ می‌دهد و ربطی به ظهور ندارد، بلکه ناشی از تقابل قدرت‌های مستکبر عالم است همانند آن چه امروز در عراق مشاهده می‌کنید.

روح روایات حاکی از آن است که هیچ دلیلی ندارد مردم عادی، شیعیان، مخلصین و محبتیان آن حضرت از ظهور امام در هراس باشند؛ زیرا ظهور به منزله‌ی نزول عذاب برای معاندان با اهل بیت علیهم السلام است.

امام محمد باقر علیه السلام از پدران گرامی‌اش از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت نموده که آن حضرت در وصف فرزند برومندش حضرت بقیة الله ارواحنا فداه فرموده است:

«او (حضرت مهدی علیه السلام) از همه‌ی شما بیشتر مردمان را پناه می‌دهد و از همه‌ی شما علمش افزون‌تر و رحمت و لطفش فراگیرتر می‌باشد.»<sup>۱</sup>



به نقل از علامه شیخ حرّ عاملی رحمته الله علیه این روایت از چهار امام معصوم نقل شده است. وسعت لطف و رأفت آن جناب به عموم مردم تا بدان حدّ است که همگان مانند زنبوران عسل که به پادشاه خود پناهنده می‌شوند به سوی حضرت مهدی علیه السلام پناه می‌برند.<sup>۱</sup>

به این روایت نیز از امام پنجم علیه السلام توجه کنید:

«سپس (حضرت مهدی علیه السلام) روی به کوفه می‌آورد و آن‌جا منزل اوست. پس هر غلام مسلمانی را خریده و آزاد می‌کند و مقروضی نیست مگر آن‌که قرضش را ادا می‌کند و مظلومه‌های مردم را رد می‌نماید.»<sup>۲</sup>

خداوند تبارک و تعالی در حدیث شریف لوح امام عصر علیه السلام را «رحمة للعالمین» و پدر بزرگوارش حضرت امام حسن عسکری علیه السلام فرزند خویش را «أشبه الناس برسول الله خُلُقاً و خُلُقاً» توصیف کرده است.<sup>۳</sup>

دقت در نوع رفتار امام پس از ظهور به درک این معانی کمک شایانی نموده و ما را بیش از پیش به «رحمة للعالمین» بودن امام عصر علیه السلام آشنا تر می‌سازد. وقتی مفضل از امام صادق علیه السلام راجع به نحوه‌ی برخورد امام با اهل مکه سؤال نمود امام علیه السلام فرمودند:

«... آنان را با کلامی حکیمانه دعوت می‌کند و به زیباترین و شیرین‌ترین کلمات آن‌ها را موعظه می‌فرماید. سپس به اطاعت او گردن می‌نهند و امام علیه السلام نیز مردی از خاندان خود را در میان آن‌ها جانشین قرار می‌دهد و از مکه خارج شده به سوی مدینه روانه می‌شود... زمانی که از مکه دور شد اهل مکه علیه جانشین حضرت شورش کرده، بر سر او ریخته و او را شهید می‌کنند. (خبر به امام می‌رسد و) امام باز می‌گردد.»

۱. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم الملاحم والفتن، سید بن طاووس: ۱۴۷.

۲. مکیال المکارم ۱: ۱۴۹، بحار الانوار ۵۲: ۲۲۴.

۳. کمال الدین ۲: ۴۰۸.

...فیاتونه مهطعین، مقنعی رؤسهم یبکون و یتضرعون و  
 یقولون یا مهدی آل محمد التوبه التوبه فیعظهم و ینذرهم و  
 یحذرهم و یتخلف علیهم خلیفة ...

پس اهل مکه به نزد امام می آیند؛ درحالی که از نگاهشان ذلت و خضوع  
 هویداست و سرها را در گریبان شرمندگی فرو برده و گریه می کنند و با  
 التماس و زاری می گویند: ای مهدی آل محمد علیه السلام توبه کردیم، توبه  
 کردیم. سپس آن حضرت آن ها را وعظ نموده، انذار می فرماید و از این کار  
 برحذرشان می دارد و دیگری را جانشین قرار می دهد...<sup>۱</sup>

ملاحظه می کنید که چگونه امام عصر علیه السلام، اهل مکه را که با آن حضرت  
 نیرنگ نموده و یکی از عزیزانش را به شهادت رسانده اند، می بخشد و  
 تقاضای عفو و بخشش آنان را می پذیرد؛ درحالی که به علم امامت می داند  
 اینان از کرده ی خویش پشیمان نیستند. در برخی روایات آمده است که  
 اهل مکه، سه مرتبه پیمان شکنی می کنند و برخلاف عهده ی که با امام  
 بسته اند و قولی که به ایشان داده اند، نمایندگی امام را به شهادت می رسانند.  
 این جاست که آن حضرت به اصحاب خویش دستور می دهند به مکه  
 برگردید و یاغیان اهل مکه را سرکوب کنید؛ اما آن حضرت با اصحابشان  
 همراهی نمی کنند. علت را در کلام امام علیه السلام جویا می شویم:

«... به سوی اهل مکه بازگردید و از آن ها دیتاری را باقی نگذارید، مگر آن  
 کس که ایمان آورد.

فلولا رحمة ربکم وسعت کل شیئی و انا تلک الرحمة...

و اگر نبود که رحمت خدایتان همه چیز را فرا گرفته و من آن رحمت  
 بی کران الاهی هستم، حتماً با شما به سوی آن ها باز می گشتم؛ زیرا عذری

که ما بین آنها و خدایشان و من بود قطع نمودند...»<sup>۱</sup>

پس امام، اول اتمام حجّت نمودند و فرصت بازگشت و توبه دادند، سپس دستور برخورد را صادر کردند؛ اما خود به جهت رحم و مهربانی، سپاه خود را همراهی نمی‌کنند.

چهل هزار نفر از سپاهیان سید حسنی معروف به زیدیّه که صاحبان قرآن هستند با امام علیه السلام بیعت نمی‌کنند و معجزات آن حضرت را سحر می‌شمارند. امام آنها را موعظه فرموده و تا سه روز آنان را ارشاد کرده، اندرز می‌فرمایند؛ اما نه تنها فایده‌ای نمی‌بخشد بلکه بر کفر و طغیانشان افزوده می‌شود. پس از سه روز امام دستور برخورد با آنان را صادر می‌فرماید.<sup>۲</sup>

سفیانی را که یکی از بزرگ‌ترین سفاکان جهان است و دستش به خون اولاد رسول الله صلی الله علیه و آله و شیعیان آلوده است و مدّت‌ها با سپاه امام جنگیده است دستگیر کرده و به محضر امام می‌آورند. در روایتی آمده است:

«... او روبه آن حضرت کرده عرض می‌کند ای عموزاده<sup>۳</sup> بر من منت بگذار و حیاتی دوباره به من کرم فرما؛ من نیز شمشیری خواهم بود برای تو و با دشمنانت جهاد خواهم کرد و (حضرت) مهدی علیه السلام در میان یارانش نشسته در حالی که از عذراء باحیاطر است. می‌فرماید: او را رها کنید. یاران مهدی علیه السلام به حضرتش عرض می‌کنند: ای فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله به او زندگی دوباره کرم می‌کنی در حالی که او فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله را به شهادت رسانده است؟ ما را تحمل زنده دیدن او نیست. پس امام

۱. همان.

۲. اثبات الهداة ۷: ۱۸۹

۳. سفیانی از اولاد ابوسفیان است که او نیز از بنی امیه است و هاشم و امیه دو برادر از جناب عبدمناف هستند. از این رو سفیانی، امام را پسر عمو خطاب می‌کند.

زمان ع می فرماید: خودتان می دانید با او هرچه می خواهید انجام دهید...<sup>۱</sup>

بر اساس احادیث رسیده از اهل بیت ع امام عصر ع پس از ظهور با چند گروه به شدت برخورد خواهند کرد:

- ۱ - بنیان گذاران ظلم بر آل پیامبر ع و قاتلان حضرت زهرا ع به طوری که آن حضرت، دادگاه عدل الهی را در مورد ایشان تشکیل می دهد و در حضور مردم آنها را محاکمه می کند. همچنین آن حضرت انتقام خون انبیای شهید و فرزندان انبیا را که به شهادت رسیده اند می گیرد.
- ۲ - قاتلان حضرت سیدالشهدا ع و فرزندان آنها، از آن جهت که به کرده ی پدران خویش راضی هستند. امام رضا ع فرمودند:

«... فرزندان قاتلین امام حسین ع از کرده ی پدران خویش خشنودند و به آن افتخار می کنند و هر کس به چیزی راضی شود، مانند کسی است که آن را انجام داده است و از این جهت اگر مردی در مشرق زمین کشته شود و در مغرب زمین دیگری بر آن قتل راضی باشد نزد خداوند شریک قاتل است و حضرت قائم ع فرزندان آنها را هنگام ظهورش می کشد، به خاطر رضایتشان از عملکرد پدرانشان»<sup>۲</sup>

- ۳ - ناصبیان و دشمنان قسم خورده ی اهل بیت ع که به فرموده ی امام محمد باقر ع امام عصر ع ایمان را بر آنها عرضه خواهند کرد. اگر حقیقتاً ایمان در قلب هایشان داخل شد توبه ی آنها را می پذیرد و در غیر این صورت گردن آنها را خواهد زد.<sup>۳</sup>

۱. عقد الدرر: ۱۳۶.

۲. تفسیر کنزالدقائق ۴: ۵۰۳، عیون اخبار الرضا ع ۱: ۲۷۳.

۳. مکیال المکارم ۱: ۹۹.

۴ - شیعه‌نمایان یاغی که در لباس اسلام و تشیع! مقابل امام عصر علیه السلام قد علم خواهند کرد و امام محمد باقر علیه السلام می‌فرمایند:

«آن‌گاه که قائم ما قیام می‌کند به سوی کوفه حرکت خواهد کرد. پس از کوفه ده هزار نفر مسلح خارج می‌شوند که از فرقه‌ی بُت‌ریه هستند و به او می‌گویند از همان جا که آمده‌ای بازگرد که ما را به فرزندان فاطمه علیها السلام احتیاجی نیست. در این هنگام شمشیر بر آن‌ها می‌کشد تا آن‌که تمام آن‌ها را هلاک می‌سازد. سپس داخل کوفه می‌گردد و هر منافق مرتابی را می‌کشد و کاخ‌های آن‌ها را خراب می‌سازد و هر که با آن حضرت بجنگد هلاک خواهد فرمود تا آن‌که خداوند عزوجل خوشنود گردد.»<sup>۱</sup>

### از معارف اهل بیت علیهم السلام دور هستیم

یکی دیگر از دلایل غفلت ما از امام زمان علیه السلام که توفیق به دعا برای تعجیل فرج را از ما سلب می‌کند، دوری ما از معارف اهل بیت علیهم السلام است. متأسفانه امروزه برخی از ما در طول شبانه روز برای هر کاری از قبیل خواندن روزنامه، مجله، تماشای برنامه‌های تلویزیونی و ... وقت و حوصله‌ی کافی داریم؛ اما دریغ از خواندن یک صفحه از معارف ائمه علیهم السلام که در قالب کتاب‌های روایی به ما رسیده است. در نتیجه اعتقاد بسیاری از ما به جای آن‌که بر اساس فرمایش معصومین علیهم السلام که معدن علم و سرچشمه‌ی زلال حکمت می‌باشند شکل بگیرد، توسط فلان شاعر یا فیلسوف یا عارف یا روان‌شناس و ... تنظیم می‌شود.

حضرت امام جواد علیه السلام فرموده‌اند:

«من اصغی الی ناطق فقد عبده.»<sup>۲</sup>

۱. الارشاد مفید ۲: ۳۸۴.

۲. بحار الانوار ۲: ۹۴.

«هر کس به سخن گوینده‌ای گوش فرا دهد او را پرستش کرده است.»

در روایتی مشابه، حضرت امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

«هر کس به سخنان گوینده‌ای گوش فرا دهد، پس به تحقیق که او را پرستیده است، پس اگر ناطق از جانب خداوند باشد (متصل به منبع وحی باشد) پس فرد گوش دهنده، خدای متعال را پرستیده است و اگر آن سخنور از جانب ابلیس باشد همانا شنونده، ابلیس را پرستش کرده است.»<sup>۱</sup>

باید بر این نکته تأکید کرد که پیشوایان معصوم علیهم السلام با مردود و باطل دانستن هر آنچه جز از خاندان وحی صادر شده است، شیعیان خویش را در حوزه‌ی مسائل معرفتی و اعتقادی از رجوع به دیگران به شدت برحذر داشته‌اند، تا آن‌جا که امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام فرموده‌اند:

«لا تأخذ الّا عنّا تکن منّا.»<sup>۲</sup>

«علوم دینی و دانش خود را از غیر ما اهل بیت مگیر تا از ما بوده باشی.»

و امام محمد باقر علیه السلام فرموده‌اند:

«فکلّ ما لم یخرج من هذا البیت و هو الباطل.»<sup>۳</sup>

«پس تمامی آنچه که از غیر ما خاندان صادر شده باشد باطل است.»

و امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند:

«والله ما جعل الله لاحد خیرة فی اتباع غیرنا...»<sup>۴</sup>

۱. اعتقادات شیخ صدوق: ۸۴

۲. وسائل الشیعه ۲۷: ۳۰، تحف العقول: ۱۷۱.

۳. وسائل الشیعه ۲۷: ۷۵، بحار الانوار ۲: ۹۴.

۴. وسائل الشیعه ۱۸: ۸۵، باب ۹، ح ۳۳.

«به خدا سوگند، خداوند به هیچ کس اجازه نداده است که از غیر ما پیروی نماید...»

و حضرت موسی بن جعفر علیه السلام فرمودند:

«لا تأخذ معالم دینک عن غیر شیعتنا.»<sup>۱</sup>

«علوم دینی خود را از غیر شیعیان کسب مکن.»

برای روشن تر شدن مطلب به داستان تشرّف میرزا مهدی اصفهانی علیه السلام به محضر مقدّس امام عصر علیه السلام و رهنمود آن بزرگوار به او، از زبان یکی از شاگردانش توجّه کنید:

«میرزا مهدی اصفهانی در حوزه‌ی علمیّه‌ی نجف به مراتب بلند علمی دست یافت. زمانی وی به اضطراب فکری دچار می‌شود و نمی‌داند به کدام راه برود. جمعی از حکمی‌ها و فلاسفه او را به جانب فلسفه می‌کشاندند، گروهی از عرفا و صوفی مسلک‌ها او را به طریق عرفان و تصوّف دعوت می‌کردند. عده‌ای او را به سیر و سلوک خاصّ دیگری توصیه می‌کردند. او حیران شده بود که چه کار کند؟ خدایا راه چیست؟ کدام راه را بروم؟ یک بزرگواری هم او را به راه متن شرع و فقاہت یعنی همین راهی که الآن فقها می‌روند دعوت می‌نمود.

خودش می‌گفت یک روز در وادی السّلام نزدیک قبر حضرت هود و صالح علیهم السلام متوسّل شدم و با خود گفتم: خدایا! عاجزم، بیچاره‌ام، سرگشته و حیرانم! نمی‌دانم به کدام راه بروم؟ «اهدنا الصّراط المستقیم.» راه راست را به من نشان بده. خدایا! گم شده‌ام، متحیرم...

در همین حال یک وقت دیدم حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه تشریف فرما شدند و در فاصله‌ی بیست قدمی من ایستادند. ناگهان دیدم نوار سبزی به

عرض بیست سانتی متر زیر سینه‌ی حضرت نمایان شد و مثل این که به من توجه کردند که نگاه کن! به آن نوار جلوی سینه حضرت نگاه کردم. دیدم با خط نور (مثل لامپ های نئون) این چنین نوشته شده است:

«طلب المعارف من غیر طریقنا اهل البیت مساوق لانکارنا و  
قد اقامنی الله و انا حجة بن الحسن.»<sup>۱</sup>

«جست و جوی معارف از غیر طریق ما اهل بیت مساوی با انکار ماست و  
خداوند مرا به پا داشته است و من حجة بن الحسن هستم.»

### نمی دانیم دغدغه‌ی همه‌ی اهل بیت علیهم السلام

#### فرج مولا بوده و هست

اگر کسی پرسد چرا باید برای فرج امام عصر علیه السلام دعا کنیم؟ باید در پاسخ گفت به چند دلیل:

۱- خود آن حضرت، برای فرج خویش دعا می کنند. یعنی دعا برای تعجیل در فرج، تأسی کردن به وجود مقدس امام عصر علیه السلام است. جالب است بدانید اولین دعایی که مولای ما پس از تولد خجسته اش بر زبان جاری فرمود دعا برای ظهور خویش است.

حضرت حکیمه علیها السلام عمه‌ی گرامی امام حسن عسکری علیه السلام که به دستور آن امام همام در شب نیمه‌ی شعبان در خدمت حضرت نرجس خاتون علیها السلام مادر مکرمه‌ی امام عصر علیه السلام بوده است، در ضمن نقل جریان ولادت با سعادت آن مولود گرامی، می گوید:

«... در این هنگام کودکی دیدم که سر بر سجده گذاشته، وقتی سر از سجده برداشت روی دو زانو نشست و انگشتان ستابه‌ی خود را به سوی



آسمان گرفت و گفت:

أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له وأنّ جدّي رسول الله  
وأنّ أبي أمير المؤمنين.

گواهی می‌دهم معبودی جز خدا نیست. یکتاست و شریکی ندارد و  
به راستی که جدّم رسول خداست و پدرم امیر مؤمنان است.

تا آن جا که همه‌ی امامان و پیشوایان معصوم را نام برد. وقتی به اسم  
مبارک خویش رسید این چنین فرمود:

اللّهم أنجز لي وعدي واتم لي أمري وثبت وطأتي واملا  
الأرض بي عدلاً وقسطاً.

خداوندا وعده‌ای که به من داده‌ای وفا کن و امر مرا به اتمام رسان و گام‌های  
مرا استوار گردان و زمین را به وسیله‌ی من پر از عدل و داد کن.<sup>۱</sup>

جمیری می‌گوید: به خدمت جناب «عمری» (دومین سفیر خاص) رسیدم و از او پرسیدم آیا او (حضرت مهدی علیه السلام) را دیده‌ای؟ گفت بلی و  
آخرین بار در کنار خانه‌ی خدا دیدم که می‌گفت:

«اللّهم أنجز لي ما وعدتني.»<sup>۲</sup>

«بارالها؛ آن چه به من وعده فرمودی امضا فرما.»

می‌دانید مطلب فوق برای حدود هزار و صد سال پیش است؟! از آن  
وقت حضرت دعا می‌کردند که خدا فرجشان را برساند. در کتاب‌های  
ادعیه، دعا‌های زیادی از وجود مقدّس امام عصر علیه السلام نقل شده که در آن  
دعاها، ایشان برای فرج خویش دعا می‌کنند.

۱. قطره‌ای از دریای فضایل اهل بیت علیهم السلام ۲: ۷۷۹. به نقل از کمال الدین صدوق.

۲. اعیان الشیعه جلد حضرت مهدی: ۱۰۵ به نقل از یاد مهدی: ۲۸۹.

۲ - اجداد طاهرینش برای فرج امام عصر علیه السلام دعا و برای غیبت او گریسته‌اند.

حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرمایند:

«چه قدر مشتاقم که آن‌ها (امام مهدی علیه السلام و یارانش) را در روزگار تشکیل دولتشان ببینم.»<sup>۱</sup>

و نیز آن حضرت فرموده‌اند:

«ای پسر بهترین کنیزان؛ تا به کی باید انتظار کشید؟»

توصیه‌های امام حسن مجتبی علیه السلام و نیز حضرت سیدالشهدا علیه السلام را در خصوص دعا برای فرج و مظلومیت حضرت مهدی علیه السلام در بخش‌های پیشین کتاب آوردیم.

حضرت امام صادق علیه السلام را دیدند که روی زمین نشسته و به پهنای صورت اشک می‌ریزد و خطاب به امام عصر علیه السلام می‌گوید:

«آقای من! غیبت تو خواب از دیدگانم ربوده است و خاطر من را پریشان ساخته و آرامش دل را از من گرفته است. سرور من! غیبت تو مصیبتی جان‌گناه بر سراسر هستی‌ام ریخته است که هرگز از آن تسلی نمی‌یابم...»<sup>۲</sup>

و دعای ندبه که آه و سوز منتظران امام عصر علیه السلام است از این امام نقل شده است و نیز ایشان است که در بیان عظمت امام عصر علیه السلام در تعبیر عجیبی می‌فرماید:

«اگر او (حضرت مهدی علیه السلام) را درک کنم در تمام عمر به خدمتش کمر می‌بندم.»<sup>۳</sup>

۱. کفایة الاثر: ۲۲۵، به نقل از یاد مهدی علیه السلام.

۲. بحار الانوار ۵۱: ۲۱۹.

۳. صحیفه مهدیه: ۱۰۶.

بسیاری از دعاهایی که در خصوص امام عصر علیه السلام وارد شده از جمله دعای معروف «اللهم کن لولیک...» از امام هشتم علیه السلام نقل شده است. همچنین آن بزرگوار در قنوت نماز جمعه‌ی خویش، دعای معروف «اللهم اصلح عبدک و خلیفتک...»<sup>۱</sup> را برای اصلاح امر فرج زمزمه می‌فرمود و از عمق جان دعای می‌کرد که خداوند، وی را از یاوران حضرت مهدی علیه السلام قرار دهد.

از امام جواد علیه السلام راجع به ائمه‌ی پس از ایشان سؤال شد. فرمودند:

«پیشوای بعد از من فرزندانم علی علیه السلام است. امر او، امر من و گفتار او، گفتار من و اطاعت او، اطاعت من است و پیشوای بعد از او فرزندانم حسن علیه السلام است. امر او، امر پدرش و گفتار او، گفتار پدرش و اطاعت او، اطاعت پدرش می‌باشد و آن‌گاه ساکت شد. راوی می‌گوید به آن حضرت عرض کردم امام بعد از امام حسن علیه السلام کیست؟ امام علیه السلام با شنیدن این سؤال به شدت گریست. سپس فرمود پیشوای بعد از حسن علیه السلام فرزندش قائم به حق و امام منتظر صلوات الله علیه است.»

عرض کردم: ای فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله چرا آن حضرت قائم نامیده شده است؟ فرمود:

«لأنه یقوم بعد موت ذکرة و ارتداد اکثر القائلین بإمامته.»  
«زیرا او قیام می‌کند پس از آن که یادش می‌میرد و بیشتر کسانی که به امامتش قائل بودند از این امر برمی‌گردند.»

نیز امام حسن عسکری علیه السلام فرموده‌اند:

«به خدا سوگند فرزندانم دارای غیبتی خواهد بود که هیچ‌کس در آن دوران از هلاکت و نابودی رهایی نمی‌یابد، مگر کسی که خداوند او را بر اعتقاد به

امامت وی استوار و بر دعا برای تعجیل ظهورش موفق بدارد.<sup>۱</sup>

۳ - خود آن بزرگوار، شیعیان خویش را به دعا برای فرج امر کرده‌اند. چنان‌که در بخش‌های پیشین آورده شد.

۴ - ائمه‌ی اطهار علیهم‌السلام ما را به دعا برای فرج امر و توصیه نموده‌اند. به عنوان مثال یکی از یاران حضرت امام هادی علیه‌السلام از آن بزرگوار درباره‌ی برنامه‌ی عملی شیعه و وظیفه‌ی عمومی شیعیان در زمان غیبت امام عصر علیه‌السلام سؤال کرد:

کیف تصنع شیعتک؟ شیعیان چه کاری (در زمان غیبت) انجام دهند؟  
آن حضرت فرمودند:

«علیکم بالدعاء وانتظار الفرج»<sup>۲</sup>

«بر شما باد به دعا و نیایش برای فرج و دارا بودن حالت انتظار.»

۱. کمال‌الدین ۲: ۳۸۴.

۲. صحیفه‌ی مهدیه: ۸۸، به نقل از بحار الانوار ۹۵: ۳۳۶.

نخواب اولی عصر

### نجوا با حضرت ولی عصر علیه السلام

...این اباعبدالله علیه السلام است که در کنار بدن پاره پاره‌ی علی اکبر علیه السلام با صدای بلند می‌گرید. نخستین بار است که کوفیان، صدای گریه‌ی امام را می‌شنوند:

«لَمْ يَسْمَعْ مِنْهُ الْبُكَاءِ قَبْلَ ذَلِكَ.»

و سرمست از نهادن این داغ کمرشکن بر قلب سیدالشهدا علیه السلام خنده‌ی پیروزی سر می‌دهند. دیگر چه نیازی بود که حرمله لعنة الله علیه تیری بر چله‌ی کمان بگذارد و قلب سالار زینب علیه السلام را نشانه رود؟ داغ شبیه‌ترین مردم به پیامبر صلی الله علیه و آله قلب امام را شکافت و محاسن آن حضرت را سفید کرد.

این علی اصغر علیه السلام است که از لب و دهان و حلقوم بریده‌اش، ناودانی از خون جاری است. به راستی چه کسی و چگونه به رباب علیه السلام که در کنار خیمه‌ها، بی‌صبرانه انتظار می‌کشید، خبر شهادت شیرخواره‌اش را داد؟

این دستان بریده‌ی قمربنی هاشم علیه السلام است که در کنار نهر علقمه بر زمین افتاده است و کمی آن طرف‌تر، لب‌تشنگان خردسال‌اند که با ظرف‌های خالی آب، یکدیگر را به بازگشت عمو از شریعه وعده می‌دهند. باید فرات





از جگرهای سوخته، لب‌های خشکیده و صورت‌های تفتیده‌ی فرزندان پیامبر ﷺ هنوز که هنوز است، شرمسار و سر به گریبان باشد.

این قاسم است، یتیم امام مجتبیٰ علیه السلام که از شدت درد و کثرت جراحات، پای بر زمین می‌کشد و ناله‌ی «واعمّاه» سر می‌دهد.

و این برادر کوچک‌ترش عبدالله است که با دستی بر پوست آویزان، برای رهایی عمو از چنگال گرگ‌های اجیر بنی امیه نعمته الله علیهم تقلاً می‌کند.

این عمّه‌ی مظلومه‌ی امام زمان علیه السلام است که بر فراز تلّ زینبیه، دست‌های لرزانش را بر سر نهاده، جدّ و پدر و مادر و برادران خویش را

صدا می‌زند و آنان را به یاری می‌طلبد؛ در حالی که سالار شهیدان بر نیزه‌ی غریبی تکیه نموده و «هل من معین» اش در صحرای کربلا بی‌پاسخ مانده

است. این، ابن سعد ملعون است که فرمان می‌دهد کوفیان کف بزنند، هورا بکشند و هلله کنند، مبادا کسی صدای غربت غریب فاطمه علیها السلام را بشنود.

سرانجام جگرگوشه‌ی رسول صلی الله علیه و آله و سلم و پرورده‌ی دامان بتول علیها السلام خسته، تشنه، گرسنه و بی‌رمق در گودی قتلگاه، غرقه در خون بر زمین می‌افتد و

ذوالجناح که با زین و ازگون و یال غرقه به خون به جانب خیمه‌ها می‌دود و هشتاد و چهار زن و کودک که با شنیدن صیحه‌اش، بر سرزنان و مویه‌کنان از

خیمه‌ها بیرون می‌دوند.

مصیبت آن قدر عظیم است که فرشتگان آسمان نیز به ناله درآمده و زبان

به شکوه می‌گشایند! خدایا؛ چگونه برمی‌تابی که بهترین بنده‌ات و فرزند

بهترین بندگانت در این صحرا غریب و تنها بماند و مظلومانه شربت

شهادت بنوشد و این حق تعالی است که آنان را با وعده‌ی ظهور و بشارت

قیام و انتقام، آرام می‌کند.

این چه کینه‌ای است که اهل کوفه با آل پیامبر علیهم السلام دارند؟ مردان را که

کشته‌اند؛ آنان را با خیمه‌ی زنان و کودکان چه کار است؟ تعجب نباید کرد. شعله‌های آتش کینه و نفاقى که پس از رحلت رسول خدا ﷺ در ب‌خانه‌ی فاطمه‌ی اطهر ﷺ را سوزانید و محبوبه‌ی خدا و فرزند به دنیا نیامده‌اش را به شهادت رسانید، سرانجام به خیمه‌های کربلا نیز سرایت کرد و این مضطرّ کربلاست که سراسیمه کودکان و حشمت‌زده را از میان شعله‌ها بیرون می‌کشد و آتش دامانشان را فرو می‌نشاند.

سپاه کوفه بر کشتگان خویش نماز می‌گزارند و آنان را در خاک می‌کنند و این بدن‌های مطهر، از آن جوانان بنی‌هاشم است که بی‌غسل و کفن در بیابان رها شده است و سرهای مبارکشان یا بر فراز نیزه‌هاست و یا محفل آرای مجلس عیش زاده‌های مرجانه و فرزندان هند جگرخوار.

این مخدّرات آل پیامبرند که سوار بر شتران بی‌جهاز، با دستان بسته از این منزل به آن منزل و از این دیار به آن دیار، گردانده می‌شوند.

این صدای تلاوت قرآن از رأس بریده‌ی سیدالشهدا ﷺ است که بر فراز نیزه نیز، اتمام حجّت می‌کند و بر حالت زینب ﷺ و اسیران مظلوم نینوا می‌گرید.

این رقیه ﷺ است که با پاهای مجروح، بدنی کبود و صورتی نیلی در خرابه‌ی شام، به انتظار بازگشت پدر نشسته است.

این امّ‌البنین ﷺ است که در قبرستان بقیع و در میان چهار قبر نمادین، به مرثیه‌سرایی برای دستان بریده‌ی عباس ﷺ پرداخته است.

و این دو طفلان مسلم‌اند که دست‌بسته و در زیر تیغ حارث ملعون در خون خویش می‌غلطند.

ای امام منتظر و ای یوسف غایب از نظر؛ تو را به این عزیزان سربریده‌ات سوگند می‌دهیم که خود برای ظهور خویش دعا کن.



برای ما نه، به خاطر اجداد طاهرین ات، دستان مبارکت را برای دعا بهر ظهور به سوی آسمان بلند فرما.

ای صاحب ذوالفقار و ای حجت کردگار. یقین که پس از ظهور نیز داغ کربلا التیام نخواهد یافت. می دانیم این زخم کاری، تا قیامت تازه است؛ اما بیا و بر این داغ دیرین، مرهمی بگذار. چشم انتظاری تا به کی؟ مگذار بیش از این، خون علی اصغر علیه السلام بی انتقام بماند.

حقیقت آن است که ما را غفلتی سخت فرا گرفته است؛ اگر نگویم سرطان غفلت هم چون درد بی درمان بر جانمان افتاده است. دیگر به ما امیدی نیست! اگر ما بیدار شده بودیم، هم اینک در محضر شما به سر می بردیم. اگر بنا بود ما بیدار شویم، تا حال فرج صورت گرفته بود. مگر بارها و بارها در طول این دوازده قرن که از شروع غیبت می گذرد به شیعیان پیغام ندادی و آن‌ها را به وفای به عهد و دعا برای ظهور فرانخواندی؟ مگر به دومین سفیر خویش در غیبت صغری پیغام ندادی که به شیعیانم بگو: «برای فرج من بسیار دعا کنید که فرج شما نیز در آن است.»؟

مگر در توقیع شریف به شیخ مفید رحمته الله تأکید فرمودی که اگر شیعیان برای وفا به عهد خویش و اطاعت از ما هم دل و یک پارچه می شدند، سعادت حضور در محضر ما را پیدا می کردند؟ صدها سال می گذرد از آن وقتی که در قنوت خویش به خداوند عزّوجلّ عرضه داشتی: «خدایا! از نظر ما، امر به انتهای خود رسیده است و ما به خاطر غضب تو غضبناکیم و برای نصرت حقّ یک پارچه و هم دلیم...»

سید بن طاووس رحمته الله مردم را شماتت می کرد که آیا آن قدر که به دنبال درهم و دینار گمشده‌ی خویش می گردید، امام زمانتان را هم جست و جو می کنید؟ مگر همین اواخر به مرحوم فشنودی فرمودی: «شیعیان ما به

اندازه‌ی آب خوردنی ما را نمی‌خواهند. اگر بخواهند دعا می‌کنند و فرج ما فرا می‌رسد.»

ای مظلوم‌ترین اهل عالم!

شنیده‌ایم که برای ما پیام داده‌ای، خدا را به آبروی عمّه‌ی مظلومه‌ات حضرت زینب علیها السلام سوگند دهیم و برای ظهورت دعا کنیم. این بار ما ملتمسانه، تو را به اشک‌های غریبانه‌ی حضرت زینب علیها السلام در سفر اسارت، به مظلومیت امیر مؤمنان علیه السلام آن‌گاه که او را دست‌بسته برای اخذ بیعت به مسجد می‌بردند، به استغاثه‌ی مادر پهلوشکسته‌ات که در بین دیوار و در، تو را به یاری طلبید، به پاره‌های جگر امام مجتبی علیه السلام، به بدن مثله‌شده‌ی سیدالشهدا علیه السلام، به چشم تیرخورده و دستان قلم‌شده‌ی حضرت عباس علیه السلام، به قنداقه‌ی خون‌آلوده‌ی علی‌اصغر علیه السلام، به فرق شکافته‌ی علی‌اکبر علیه السلام، به جان‌دادن غریبانه‌ی عمّه‌ی سه‌ساله‌ات حضرت رقیه علیها السلام در خرابه‌ی شام و به گردن و پاهای مجروح امام زین‌العابدین علیه السلام سوگند می‌دهیم که به درگاه خداوند، دست به دعا برداری و از آستان حضرت احدیت، ظهور خویش را طلب کنی.

بیا و صدای «یا اهل العالم» خویش را در جهان طنین‌انداز فرما:

«ألا یا أهل العالم أنا الإمام القائم.»

«ألا یا أهل العالم أنا الصمصام المنتقم.»

«ألا یا أهل العالم إنَّ جدِّي الحسين قتلوه عطشاناً.»

«ألا یا أهل العالم إنَّ جدِّي الحسين طرحوه عریاناً.»

«ألا یا أهل العالم إنَّ جدِّي الحسين سحقوه عدواناً.»<sup>۱</sup>

ای اهل عالم ؛ آگاه باشید که من امام قیام کننده‌ام.  
ای اهل عالم ؛ آگاه باشید که من شمشیر انتقام گیرنده‌ام.  
ای اهل عالم ؛ آگاه باشید که جدم حسین علیه السلام را تشنه شهید کردند.  
ای اهل عالم ؛ آگاه باشید که جدم حسین علیه السلام را عریان رها کردند.  
ای اهل عالم ؛ آگاه باشید که بدن جدم حسین علیه السلام را از روی دشمنی خرد کردند.

